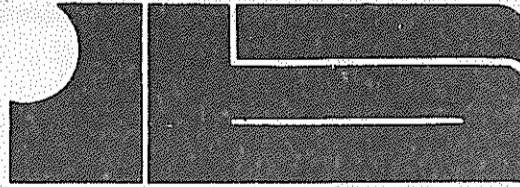


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی
بسوزدگی امپریالیسم امریکا
وپایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۲۰

چهارشنبه دوم دیماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۴۰

نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد

به پیش می‌تاخت دنیا له روی سازمان از جنبش خودبخودی و سیروقایع روزمره بود این امر نیز نه تنها برسر درگمی و پراکندگی در سطح جنبش و هواداران سازمان - می‌افزود بلکه در درون خود سازمان نیز وحدت و انسجام درونی را خدشه‌دار می‌ساخت اکنون دیگر بی‌آزگشت حدود یکسال و نیم از تشاب و در شرايطی که جا معسه بیک مرحله بحرانی تعیین کننده رسیده است، الزاماً می‌بایستی این نشست وسیع برگزار گردد، تا از یک سو فعالیت بقیه در صفحه ۲

جامعه و لزوم با سخگونی به مسائل مبرمی که جنبش در برابر سازمانهای انقلابی قرار داده است ناشی میگردد. البته از مدت‌ها پیش ضرورت برگزاری این کنگره سازمانی نه تنها بمنظور تعیین خط و مشی سازمان و وظائف جنبش انقلابی ایران در شرایط متحول کنونی، بلکه بمنظور ارزیابی و جمع‌بندی - فعالیت‌های سازمان پس از انشعاب احزاب می‌شد، اما انجام این امر هر بار و بنا بدلائل متعدد بتعمیق می‌افتاد. نتیجه آن نیز در شرايطی که جنبش شتابان

نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در تاریخ حیات سازمان نقطه عطفی محسوب میگردد بسا حضور همه اعضا و بخشی از کاندیداهای عضویت که عهده‌دار مسئولیتها می‌باشند در تشکیلات بودند برگزار شد. ضرورت برگزاری یک چنین نشست وسیعی آنهم در شرايطی که ارتجاع عنان گسیخته و دیوانه‌وار ربحان توده‌های مردم و سازمانهای انقلابی افتاده است و هنر روزدهها رزمنده انقلابی و کمونیست را بجوخه اعدا می‌سپارد، از شرايط بحرانی

پیام‌های
اولین کنگره
سازمان به
در صفحه ۴

انقلاب
شعله می‌کشد
آنکاه که رژیم کشتار و حیا نه خلق را در دستور روز خود قرار داد، آنکاه که زندانها میرفت تا از جوانان خلق - انباشته کرده، آنکاه که خلق بی‌سازمان و غیر مسلح اما عاصی از فقر و فشار روپیر - کین نسبت به سرما به او ستم را، در مقابل بیورش ددمنشانه رژیم صحنه را خالی نهاد، آنکاه که حمله‌های بر سر هر کوچمه آوای شیون نادران در هر خانه، صف - طویل و رشدا بنده زنان داغدار بر - آستان جاده، خاوران و یاد را، وین وحشت و رعب در دل خلق افکند، ما گفتیم که "آفتی موقت" بر جنبش حاکم گشته است بقیه در صفحه ۶

در حاشیه مصاحبه
دادستان با صلاح
انقلاب
ما در گذشته با رها بدور غهای "گولینوار" موسوی تیویزی دادستان کل انقلاب اسلامی اشاره کرده ایم همگان با چهره‌های رنگارنگ او ب خوبی آشنا می‌دارند، اخیراً هم این "جناباطی" مصاحبه‌ای سعی کرد با هزار قسم حضرت عباس وضع دادگاهها، رفتار با زندانیان و... را "رقابت بخش" جلوه دهد اما با همه زرنگیش دم خروس از زیر عبا یش بیرون آمد و موجب رسوا گیش شد. بقیه در صفحه ۱۴

در این شماره
شهادت آبانماه ۱۳۶۰
جنبش کارگری
اخبار مدارس
گزارشات روستائی

ارزیابی ذهنیات حاکم بر توده‌ها
شهریور، مهرماه ۶۰ (قسمت سوم)
۴- ما چرا عمو بیما ۱۳۰۰ ارزش و واکنش توده‌ها:
آنچه در مجموع گزارشات دیده میشود - برخورد محدود و بسیار منفعلم مردم نسبت به این سالهاست. اما در همین حد نیز چند نکته قابل توجه است، اکثریت مردم از ضربات بی درپی وارد آمده بر حاکمیت اظهار خوشحالی میکردند اما کاملاً نسبت به مرگ رهبران ارزش بی تفاوت بودند، خانم خانه - دار میانسالی میگفت "دلخنگ شدم چون اعدا نکردند حال داشت سر هم جوا بش را میگرفتند" کارگر جوانی میگفت "خوشم مدرنیم، اون - شد" و راننده یک کامیون میگفت "حقشون بود" بقیه در صفحه ۷

اعتصاب شکوهمند
کارگران
ایران ناسیونال،
ضربه‌ای دیگر بر پیکر
لرزان رژیم
در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نخستین کنگره سازمان

بقیه از صفحه ۱

سازمان در سطح جنبش مورد ارزیابی قرار گیرد، دست آوردهای آن جمع بندی گردد و کمبودها و نقاط ضعف آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر با توجه با اینکه در یک چنین دوران منحول و انقلابی کنگره حزبی یا بدگرایش تحول اقتضای اجتماعی و سیاسی موجود را بررسی کند، صف بندیها و گروه بندیهای طبقات و احزاب و سازمانهای سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهد و پیرامین پایه و طایفه اساسی یک سازمان انقلابی، پرولتاری را تعیین کند، خطوط کلی سیاسی و وظایف اساسی و فوری ما را در مرحله کنونی انقلاب مشخص سازد.

بدین لحاظ میتوان ادعا کرد که کنگره نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا نمود و سبب تصویب مسائل دیگر که آنها نیز هر یک بنحوی درجای خود نقش برجسته ای دارند، با تعیین وظایف اصلی ما در دوران کنونی یک گام ارزنده در جنبش کمونیستی ایران بلجو برداشته است.

ما در آینده ای بسیار نزدیک قطعاً ما هم کنگره خواهیم داشت که در کنگره حوال این قطعاً ما هم صورت گرفت منتشر خواهیم کرد، اما پیش از آنکه راجع این استناد لازم داشته باشیم که گزارش مختصری پیرامون مصوبات کنگره و روال کار آن ارائه دهیم. کنگره با دستور جلسه ای که توسط کمیته مرکزی موقت سازمان (که پس از انشعاب امر هدایت رهبری سازمان را برعهده داشت) تعیین شده بود کار خود را آغاز کرد.

پس از گزینش هیئت رئیسه کنگره و تصویب اعتبارنامه های شرکت کنندگان بحث بر روی دستور جلسه کنگره آغاز شد، اما پیش از آنکه کنگره وارد بحث پیرامون دستور جلسه کنگره بشود به پیشنهاد تعدادی از رفقای شرکت کننده مسئله استعفای ۵ تن از اعضا، سازمان که طی یک ماه پیش از برگزاری استعفا داده بودند در دستور کار کنگره قرار گرفت و پس از بحث ها که پیرامون این مسئله صورت گرفت، کنگره طی اولین مصوبه خود مقرراتی که اعضا مستعفی بمنظور طرح مسائل مورد اختلاف و یا سخگونی به کنگره در قبایل وظایفی که در سازمان برعهده داشته اند، در کنگره حضور یابند، ۲۰ تن از اعضا مستعفی در کنگره حضور یابند و پس از آنکه بدستور کنگره استعفای خود را پس گرفتند، اعتبارنامه های آنها بجز یک تن بتصویب رسید. کنگره از آنها خواست که ضمن توضیح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی خود، علل استعفایشان را پیش از برگزاری کنگره و عدم اجرای مسئولیتها را که سازمان با آنها و گذا رنموده بود توضیح دهند. در اینجا لازم است ذکر شود که پس از ۳۰ روز، بدای ۳۰ خرداد این افراد از مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان عدول کرده بودند. از یکسوم رزیدنیهای ایدئولوژیک سازمان با ریزبونیسم خروشچی و طردا ساسی - ترین احراقات مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ را انکار نموده و از سوی دیگر در ارزیابی اوضاع سیاسی کنونی و تاکتیکی سازمان بمواضع راست در غلطیده بودند.

آنها پس از عدول از مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان، مبارزه ایدئولوژیک - علنی را دست آویز قرار داده و مطرح کرده بودند که چنانچه مواضع آنها در نظریات علنی سازمان منتشر نشود، استعفا خواهند داد. آنها بدین طریق می گویند که - تمام ایلات فرصت طلبانه و شیوه های سازمان - شکنانه خود را با دست آویز قرار دادند مبارزه ایدئولوژیک علنی توجیه کنند. مرکزیت سازمان در همان زمان بر اساس یک همه پرسی از اعضاء سازمان با آنها اعلام کرد که مبارزه ایدئولوژیک علنی در سازمان پذیرفتنی است، اما شیوه آنرا کنگره در روزهای آینده تعیین خواهد کرد و پذیرش استعفا آنها را بجز یک تن که بیش از دو ماه پیش استعفا داده بود، تشکیل کنگره بفرستاق آنها تحت وجود آنها از انجام وظایف سازمان با این سرباز زدند، بدین طریق از همان آغاز روشن بود که آنها مبارزه ایدئولوژیک را دست آویز قرار داده اند. در کنگره نیز ضمن توضیحاتی که ارائه دادند و مسائلی که مطرح نمودند، بیش از پیش این تمایل واقعی آنها افشا شد. پس از مباحثی که در کنگره پیرامون مسائل مورد اختلاف مطرح شد، از آنها خواستند که نظر خود را پیرامون نشست عمومی سازمان و دستور جلسه آن ابراز دارند. آنها در آغاز خواستار آن بودند که کنگره قطعاً مهتدین شده پیرامین مواضع ایدئولوژیک سازمان را که شامل مرز بندیهای ایدئولوژیک سازمان بطور مشخص بار و ریزبونیسم خروشچی و مدافعین تزبوسال امپریالیسم تعیین کرده بود، از دستور کار کنگره حذف کند. البته این مسئله برای کنگره پذیرفتنی بود، زیرا که در بحث های مقدماتی که پیش از این نیز در کنگره حول دستور جلسه کنگره مطرح و تعدیل در آن صورت گرفته بود، نظر اکثر رفقای سازمان این بود که نظریات آنها بودن این مسئله و از آنجا که مبارزه ایدئولوژیک کافی بر سر این مباحث صورت نگرفته است تصویب آن به کنگره آتی سازمان محول گردد. از این رو این مسئله در سازمان پذیرفته شد. اما آنها بلافاصله مسئله دیگری را پیش کشیدند و مطرح کردند که طی حدود سه ماه آینده دوباره یک کنگره برگزار شود و طی این مدت حول تمام مسائل مورد اختلاف مبارزه ایدئولوژیک صورت گیرد. با طرح این مسئله دیگر روشن بود که تعیین مدت سه ماه برای مبارزه ایدئولوژیک بر سر تمام مسائل طرح شده در کنگره و قطعاً ما هم در آن و برگزاری یک کنگره دیگر - های آن و برگزاری یک کنگره دیگر چیزی جز بهانه تراشی نیست. انژوینارو اعضاء کنگره با لاتفاقی طرح پیشنهادی مستعفی ها و هرگونه سازش با آنها را مردود اعلام کردند. پس از این تصمیم اعضاء مستعفی جلسه را ترک کردند. کنگره سپس یک قطعنامه جداگانه ای را افراد را عنان سازمان شکن و مشی آنها را - رفرمیستی ارزیابی کرد و بعنوان عناصر اپورتونیست از میان خود طرد نمود. کنگره پس از این تصمیم انقلابی، کار خود را بر اساس روال تعیین شده ادامه داد.

در آغاز گزارش کمیته مرکزی موقت سازمان در مورد وضعیت تشکیلاتی، پیرویه کا روقعائیت رهبری، نقاط ضعف و قوت سازمان طی یکسال و نیم گذشته ارائه شد. اعضاء کنگره پس از استماع گزارش - کتبی و توضیحاتی شفا هی اعضاء کمیته

مرکزی به بررسی و جمع بندی وضعیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان پرداختند. کنگره ضمن ارزیابی نقاط مثبت و فعالیت سازمان و دست آوردهای که در زمینه شرکت مبارزات توده ای، بویژه در کردستان، در زمینه تبلیغ و ترویج از طریق ارگان سازمان "کار" و امکانات ویژه از جمله سیستم چاپ و انتشارات داشتند و همچنین تا کید بردت - آوردهای سازمان در زمینه های تئوریک، مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک، تحلیل و ارزیابی وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکیهای سازمان، ضمن تا کید بر تلاش انقلابی کارها و هواداران سازمان که تا کنون بیست و یک جریان و فانداریه آرمان کارگران را در حمایتشان پرچم پسر افتخار سازمان را برافراشته نگه داشته - اند، کمبودها، نقاط ضعف و اشکالات سازمان و کار رهبری را بشرح زیر - جمع بندی کرد:

فقدان هدف و نقشه معین برای مداخله انقلابی در مبارزه طبقاتی، دنیا له روی از جریان خود بخودی امور، گسترش بی رویه تشکیلات.

کمبها دانه مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی در جهت دست یابی به یک تئوری انقلابی، فقدان رابطه زنده بین رهبری و بدنه تشکیلات

کم توجهی به آموزش و تربیست کارها و عدم استفاده درست از انرژی و استعداد های تشکیلات و ...

کنگره همچنین در ارزیابی مسئله انشعاب و تا شیران بر مشکلات و نواقص بعدی سازمان با این نتیجه رسید که این انشعاب علیرغم اینکه برای دست یابی به یک تئوری انقلابی، وحدت چپ و انفرادی رفرمیسم صورت گرفت، اما این اهداف بدرستی درک نشده، از نیرو زودرس بود. مهمترین و ارزنده ترین دست آورده کنگره تصویب قطعنامه های مربوط به استراتژی و مرحله انقلاب، وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکیهای سازمان بود.

قطعنامه مربوط به مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب که بر اساس یک تحلیل درون سازمانی تحت عنوان "وظایف اساسی کمونیستها" تهیه شده بود و با بیش از دو سوم آراء شرکت کنندگان در کنگره بتصویب رسید، روش سیاسی پرولتاریا را در انقلاب تعیین نمود.

قطعنامه در این زمینه اظهار امیدارد که جا معاً ایران یک جامعه سرمایه داری وابسته، تحت سلطه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم نواستعماریست، وابستگی و سرمایه داری دوجز لاینفک نظام اقتصادی - اجتماعی ایران هستند. قطعنامه، - سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را اصلی ترین مانع بر سر راه رشد و تکامل جامعه نیروهای مولده میداند و معتقد است که هر تحول انقلابی باید بعنوان نخستین گام، این مانع اصلی را از چالو رشنیروهای مولده و تنگنا مل جامعه بر - دارد.

در قطعنامه آمده است که بنا بر علل عینی و ذهنی، انقلاب ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته است، استقلال ملی، دمکراتیزه شدن جامعه، تامین آزادیهای سیاسی و مدنی، و دگرگونی نظام اقتصادی - بقیه در صفحه ۱۱

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



چشم گاوگری

با آغا زفضل زمستان، مبارزات
 کارگران چون همیشه آغزگشته و اجسی
 تازه یافتند است، ولی اصل با شدتیبی
 بیشتر و چشم اندازی روشنتر، اعتصاب
 گسترده کارگران مبارز کارخانه ایران
 - ناسیونال می توانند صرفی نویسن
 در مبارزات کارگران و آغزی شکوهمند
 برانقلابی باشد که خلقهای ایران در پیش
 رودارند. آغزی شکوهمند که پیروزی
 قطعی انقلاب را نوید می دهد.

در زمان رژیم شاه طبق سیاستهای
 همیشگی سرمایه داران و بخصوص سرمایه
 داران وابسته بخشی از دستمزد کارگران
 را بصورت امتیازاتی ظاهری و غیرمستقیم
 سودویژه، عیدی، ویا یا دادر پرداخت
 میکردند تا به آسانی بتوانند نراد
 مورد ضروری قطع کرده، کارگران را هم
 از حق ادعا محروم نگه دارند.

پرداخت هر دو سال یک بار حواله -
 بیکان به قیمت تمام شده، کارخانه به
 کارگران ایران ناسیونال نیز یکی از
 انواع این اصطلاح امتیازات بود که
 رژیم شاه به کارگران این کارخانه داده بود
 رژیم به اصطلاح خاصی مستضعفین! جمهوری
 اسلامی در شرایطی که تورم فسادگسیخته
 دستمزد واقعی کارگران و قدرت خرید
 آنان را مرتباً کاهش میدهد به جای افزایش
 دستمزدها متناسب با افزایش قیمتتها،
 کامیاب به کارگران با رستاندن این
 امتیازات که بخشی از دستمزد کارگران
 می باشد حرکت می نماید. رژیم از مدتها پیش
 در سدبای رستاندن این حق از کارگران
 ایران ناسیونال بود حتی آنرا از یک
 ماه پیش به تصویب رسانده بود. تا اینکه
 با لایحه روز پنجشنبه ۱۲/۱۲/۶۰ طی یک
 بخشنامه این موضوع را به کارگران اعلام
 نمود و بدینسان آن انجمن اسلامی طی یک
 اعلامیه هرگونه اعتصاب و کم کاری را محکوم
 نمود. کارگران به محض دیدن بخشنامه به
 خشم آمده دست از کار کشیدند. اعتصاب
 از کارخانه سوار شروع شد. کارگران
 از قسمتها بیرون آمده و در محوطه کارخانه
 راهپیمایی کرده و شعار میدادند.....
 حواله را کی قطع کرد؟ مدیر آمریکا شی،
 حواله حق ماست..... و غیره. اعتصاب
 به مرور به تمام قسمتها کارخانه گسیخته
 شد. کارگران در محوطه پارکینگ اجتماع
 کرده و شروع به سخنرانی نمودند. عوامل
 انجمن اسلامی سعی داشتند با تحریک
 احساسات مذهبی کارگران حرکت را در
 نقطه خفه کنند ولی نمی توانستند کاری از
 پیش ببرند. کارگران خشمگین با قفل
 کردن درب خروج بیکان جلوی خروج تالیسندرا
 گرفته و با ریختن بریش آدری آنجا را
 بیزه تعطیل گشا کردند. نماینده دادستانی

برای آرا مکردن کارگران به کارخانه
 آمده ۱۰ روز مهلت خواست ولی کارگران
 فقط تا روزیکشنبه با مهلت دادند.
 روزشنبه توکلی وزیر کار رو یک نماینده
 از سپاه پاسداران برای درهم شکستن
 حرکت به کارخانه آمدند. نماینده سپاه
 پاسداران بعد از خواندن چند آیه شروع
 به سخنرانی کرد و از کارگران خواست که
 مانند حضرت علی از حق خود بگذرند و در
 خاتمه شروع به تهدید کارگران نمود که
 دیگر کارگران تحمل ننموده و با هو کردن
 او را با شین کشیده و جلوسه را خود بدست
 گرفتند.

در همین روزشنبه ۱۴/۱۲/۶۰ توکلی در
 یک مصاحبه مطبوعاتی که شب زتلویزیون
 بخش شد گفت: "حقوق کارگران ایران
 - ناسیونال با لاست و شاه به آنها بساج
 میداده است (منظور حواله) بیکان هر دو
 سال یکبار است) اگر اینطور است به کارگر
 تانک سازی با دید دو سال به دو سال یک
 تانک بدیم و کارگران را مسئول با زار -
 سپاه و گرانی ما شین دانست. روزیکشنبه
 که قرار بود جواب قطعی به کارگران داده
 شود، حدود ۹۰ - ۸ هزار کارگر ایران
 ناسیونال در کارخانه اجتماع کرده و
 متینگ با شکوهی ترتیب دادند (رژیم در
 این روزها سعی به کارگران نداد)
 یکی از کارگران در جواب حرفهای دیشب
 وزیر گفت: "به کارگران، مینی بوس که
 نمیدهند چرا قیمت مینی بوس در بازار
 گران است؟ به ما وانت که نمیدهند، پس
 چرا قیمت وانت هم گران است. سیگار
 چرا گران است..... روز دوشنبه ۱۵
 از کارگران به نماینده کی از طرف -
 کارگران انتخاب شده تا مسئله را پیگیری
 کرده تا روزیکشنبه ۲۲/۱۲/۶۰ جواب آنرا
 برای کارگران بیاورند.

انجمن اسلامی دست از توطئه واخلال
 در حرکت کارگران بر نمی داشت. بسیاری
 از کارگران متوجه به انجمن اسلامی به
 ماهیت ضد کارگری انجمن بی بدوبه
 صحت گفته های کارگران مبارز و انقلابی
 اعتقاد پیدا کردند. سطح شعارها ارتقاء
 یافته و شعار "زندانیان سیاسی آزاد -
 باید گردند" جای خودش را در میان شعارها
 با زکرده بود. روزیکشنبه چشم انداز حرکتی
 گسترده را نشان میداد.

روزیکشنبه ۲۲/۱۲/۶۰ رژیم با یک نقشه
 حساب شده کارت کارگران شناخته شده را
 جمع کرد و سرکوب را آغز نمود. انجمن -
 اسلامی با رهبری نماینده دادستانی
 مستقر در کارخانه رهبری این سرکوب را
 به عهده گرفتند و شروع به دستگیری وسیع
 کارگران مبارز نمودند.

حرکت یکپارچه ۹-۸ هزار کارگر -
 کارخانه ایران ناسیونال در اوج -
 شرایط سرکوب رژیم و در اوج شرایط
 خفقان اینجا دنده توسط رژیم، بیانگس
 روحیه و پتانسیل انقلابی کارگران -
 میباید شکل گرفتن چنین حرکتی در این
 شرایط بیانگس را طاق فرسای هزینه
 های زندگی بردوش کارگران و زندگیشان
 میباید.

بحران اقتصادی روز بروز وخیم تر
 میشود، عدم توانائی حاکمیت در حل آن
 برای توده های زحمتکش آشکارتر میگردد.
 قحطی فرا میرسد، توده ها امید به لائیها
 را از دست داده اند و ضرورت در دست گرفتن
 ابتکار عمل انقلابی از پاشین را بیش از
 پیش درک می نمایند. طبقه، کارگر میباید
 به وظیفه خطیر خود در این مرحله آگیا

کرد و در جهت همبستگی طبقاتی از جمله
 پیشروترین کارگران ما ننند کارگران -
 صنعت نفت بکوشد. طبقه کارگر میباید
 با شرکت وسیع در تمام عرصه مبارزاتی
 توده ها، مبارزات را به خود ملحق
 سازد. طبقه کارگر باید اینا درک کند که
 بدون وحدت با دهقانان و خرده بورژوازی
 میانه و فقیر نمی توانند رسالت تاریخی
 خود را به سرانجام برسانند. طبقه کارگر
 نمیباید خود را به مبارزه در چهارچوب
 تنگ کارخانه محدود نماید.
 وظیفه پیشرو انقلابی است که طبقه
 کارگر را به خطر نداشتن تشکیلات و رهبری
 سیاسی منسجم، نداشتن همبستگی طبقاتی
 و به نبود وحدت میان طبقه کارگر و سایر
 اقشار خلق آگاه کرده و در جهت تحقق
 دست یافتن به آنها فعالانه و پیگیرانه
 بکوشد. وظیفه پیشرو انقلابی است که
 نشان بدهد پیروزی قطعی انقلاب فقط
 فقط در گرو رهبری طبقه کارگر و وحدت
 با اقشار میانه و پاشینی خرده بورژوازی
 شهری و روستاست و جز این شکست انقلاب ویا
 تن دادن به انقلابی نیم بند نخواهد بود.
 مبارزات کارگران اوجی تازه یافته
 و تداوم پیدا میکند. بورژوازی سرکوب
 میکند ولی کارگران و زحمتکشان میدانند
 بدون دادن قربانی پیروز نخواهند شد.
 و همین قربانیهاست که راهگشای راه
 انقلاب خواهد بود. از اینرو فریاد
 وظایف کارگران و از جمله کارگران -
 ایران ناسیونال برای تداوم مبارزات
 خود و لا: "ایجا دهنده های مخفی بیکاری
 است تا به توسط آن بتوانند حداقل مخارج
 خانواده کارگران مبارز دستگیر و خراج
 شده را تا مین نمایند. ما تنها با شکل دادن
 به کمیته های مخفی اعتصاب شعله حرکت
 فعلی را روشن نگه داشته تا در شرایط
 مسا عدگه مجدداً به زودی پیش خواهد آمد
 مبارزات را گسترده تر و فعالانه تر به پیش
 برند. ما لقا: "کارگران میباید هر چه
 زودتر با برقراری ارتباط با کارگران
 سایر کارخانه ها و بخصوص کارخانه های
 که در حال جاذبه به مبارزه و اعتصاب
 زده اند ما شعله حرکت خود را گسترش داده
 جهت همبستگی طبقاتی خویش حرکت
 نمایند. و با لایحه کارگران میباید
 با شرکت همه جانبه در مبارزات توده ها -
 مانند شرکت و حمایت از مبارزات فرزندان
 - شان در مدارس، شرکت و هدایت مبارزات
 مردم در محلات، مبارزه علیه سرکوب -
 دانشجویان توسط پلیس، پاساژ و.....
 نه فقط در جهت تشکیل طبقاتی خویش بلکه
 در جهت وحدت با اقشار خلق و گسستن
 هژمونی و برتری در تمام عرصه های مبارزه
 گام بردارند و بدانند که تنها راه پیروزی
 قطعی انقلاب همین است و بس.

"رهبری طبقه کارگر، ما من پیروزی -
 مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک
 خلقهای ایران است"

تهران - آبانماه:

رژیم که دیگر دستش در مقابل توده ها
 رو شده است و میباید دنده خراج سرکوب و
 اعدام نیروهای انقلابی، با واکنش انقلابی
 توده ها مواجه میشود زیرا که نه سعی میکنند
 اقداماتش را تا حد ممکن از چشم توده ها
 بپوشانند، از آخ کارگران انقلابی پترو -
 شیمی این واحد صنعتی حساس و مهم در میان
 کارگران و کارمندان وابسته و فاسدبیا نگر
 این سیاست رژیم میباید شد. در پیرو شیمی

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

بقیه در صفحه ۸

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرامتین درودهای خود را به خلق فلسطین و نیروهای انقلابی فتنین و به رفقای جبهه خلق برای آزادی فلسطین تقدیم میکنند. و یکبار دیگر بر بیوند مستحکم و تاریخ ساز آن، وجهه خلق برای آزادی فلسطین که با پیدایش ما با بد مهرتایند میزنند. ما هرگز کمکهای مادی و معنوی بی دریغ شما را در مبارزه خلقهای ایران علیه رژیم شاه فراموش نمیکنیم و نیز هرگز سربیمانی که خلق ایران و فلسطین در مبارزه مشترکشان علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه بسته اند نیست نمیکنیم. از طریق شما به خلق قهرمان فلسطین اطمینان میدهم که همواره از مبارزه عادلانه شان دفاع میکنیم. اکنون خلق ما در شرایط پیچیده و غیرنرمی قرار گرفته است. در مقابل خلقهای ایران رژیم سفاک، ضد انقلابی و ارتجاعی قرار گرفته که روزانه دهها و گاهی صدها انقلابی ضدا مپریالیست را به جوخها عدا میسپارد. کارگران را به کلوله می بندد، دهقانان را سرکوب میکند خلق کرد را و حضانبه خاک و خون میکشد..... و موزورانه ادعای ضدا مپریالیست بودن میکنند و منافقانه بعضی از دوستان و متحدین ما را در سطح بین المللی دچار توهم ساخته است. اما در این میان - موضع گیری های انقلابی در شرایط جبهه خلق برای آزادی فلسطین علیه رژیم خمینی برای ما بسیار قابل ارج و قدر دانی است. اکنون که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا با تقویت رژیم های ارتجاعی، علیه انقلاب خلقهای منطقه توطئه می کند، رژیم جمهوری اسلامی به ظواهر گوش میکند که خود را مدافع خلق فلسطین نشان دهد ولی در عمل با خرید و تلسلیحات از اسرائیل، صهیونیسم را تقویت مینماید، در عمل جریان ارتجاعی اصل را که سربردگی آن به امپریالیسم

جهانی برای هر فلسطینی آگاه روشن است تقویت میکند. رژیم خونخوار خمینی با تقویت جریان ارتجاعی اصل، مهر نا شید بر اقدامات ارتجاعی این جریان که دهها انگلیسی فلسطینی را به گلوله بسته است و دائماً در جهت ایجا دوتشدید اختلافات فرقه ای و مذهبی در فلسطین است را تا شید میکند و این هنگامی و همانگی رژیم ارتجاعی خمینی با امپریالیسم جهانی در سطح منطقه است.

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از مذاکرات مفصل پیرامون برنامه عمل انقلابی در این مرحله، به این نتیجه رسیدند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در دستور کار اولین گام در جهت به ثمر رساندن انقلاب ضدا مپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران میباشد و در این مبارزه عادلانه انتظار رحمانیت و پشتیبانی هر چه وسیعتری از طرف دوستان انقلاب ایران را داریم. تردیدی نداریم که سیاست خارجی ارتجاعی بان اسلامیت جمهوری اسلامی روز به روز برای توده های منطقه شکار تر خواهد شد و توده های منطقه به اینکها این سیاست عملاً آب به آسیاب امپریالیسم خواهد ریخت بی - خواهند برد. تردیدی نداریم که سیمای - کره رژیم سفاک خمینی روز به روز برای خلقهای منطقه روشن تر خواهد شد و در این میان کسانی که در سطح جهانی پیشگام موضع گیری علیه جنایات این رژیم شده اند در قلوب مردم قهرمان میهن ما جای بس ارزنده ای خواهند داشت.

رفقای فلسطینی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر بر همبستگی انترناسیونالیستی و برادرانه خود با حمتکشان و خلق فلسطین تاکید نموده و خواستار گسترش و تعمیق این همبستگی هستند. زنده باد انقلاب فلسطین، زنده باد انقلاب ایران
با داربند دوستی بین جبهه خلق برای آزادی فلسطین و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در منطقه شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با زنده اند. ما بعنوان ذرهای نا چیز از اقیانوس بی کران خلق در مقابل عظمت این رنج و مقام و اعتقاد داریم که در دوران قیام پرشکوه خلقهای ایران در بیمن ۵۷ توده ها فریب داد میزدند "درود بر تو ما در مبارزه، درود بر تو ما در فدائی، درود بر تو ما در محاسن در آینده بین فریادها گسترش و عمق بیشترو خواهد داشت. تردیدی نداریم راهی که در پیش داریم شما خاندانهای قهرمان شهدا و اسرای خلق نقشی ارزنده بعهده خواهید داشت. ایمان شما به صداقت و فداکاریهای فرزندانمان، غرور دشمن شکن شما و نیز مقام و تسلیم نا پذیری شما در مقابل اراده ضدا انقلابی جلادان رژیم از زنده ترین صفات تاریخ مبارزات ضدا مپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است.
ما به این سرسختی، به این ایمان، به این تسلیم نا پذیری و به این غرور پرشکوه شما درود میفرستیم و خود را در غم بقیه در صفحه ۱۰

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به انقلابیون اسیر

رفقای زندانی!
اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شرایط سخت و بحرانی میهن ما تشکیل و بنا بوظایف که داشت برنامه عمل انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جنگی مناسبات نیروهای مختلف احتماعی را تصویب نمود. این کنگره علیرغم کمبودهایش یک گام اساسی در جهت حرکت سازمان ما به پیش بود و مسلماً این پیروزی تنها در محدوده سازمان ما نخواهد ماند.

رفقای زندانی!
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مقام و مت شایسته و غرور آفرین شما در زندان که یکی از صحنه های مبارزه طبقاتی است ستایش و تجلیل میکنند. شما میراث مبارکان و قهرمانان انقلابیون هستید که در دوران سلطنت ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با مقام و قهرمانانه خود فدا ریشان را به آرماتهای خلق نشان دادند و دشمنان را زیون ترم کردند. و شما اکنون در زندان رژیم هستید که علیرغم غربان شدن سیمای کریم ضدا انقلابی، علیه سرکوب هر چه بیشتر توده های انقلابی با عوا مفریسی مدعی دفاع از محرومان جامعه و مدعی مبارزه با امپریالیسم است. این رژیم شما را که جز ضدا مپریالیست ترین نیروهای جامعه ما هستند و بنا بر آنست که در راه آن مبارزه می کنید مدافع منافع محرومان جامعه هستند. با ارت گرفته و شما را شکنجه می کند، داغ میکند، شلاق میزند، عدا می کند و آنگاه موزورانه ادعای ضدا مپریالیست بودن میکند. اکنون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دهها هزار انقلابی زنده به مقام و ستایش انگیز خود را می بینند و یکی از پرشورترین روزهای حیات مبارزاتنی خلق ما را ورق میزنند. اما ما ایمان داریم که شما بطوریکه در راههای زندان شاه خائن بوسیله توده های مردم که زندگان واقعی تاریخ هستند با زنده ماندن زندانهای رژیم پلید خمینی نیز بدست توانای همین مردم با زخوا هشد و شما با افتخار به یمن مردم خواهد آمد و نگاه در آغوش گرم مردم پیروزی سرود - مقام و مت را خواهد هم خوا نند و گورستان شهدای انقلاب را که آرزویشان این بود که روی استخوانهایشان بشرا زاده ای با یگویی کند لاله باران خواهد هم کرد. ما به این پیروزی ایمان داریم زیرا به اراده سترگ توده ها ایمان داریم.
زنده باد انقلاب
زنده باد مقام و مت قهرمانانه انقلابیون اسیر
مرگ بر رژیم خونخوار خمینی
نا بودیاد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیگاه داغ خلیش

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خانواده های شهدای بخون خفته خلق و خانواده های انقلابیون زندانی

با گرامتین درودهای انقلابی:
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و طیفه خود میداند که از مقام و مت شایسته و از فداکاریهای شما که متحمل رنج و مرارت شهدا و اسارت فرزنداننتان میشوید قدر دانی نمایند. این قدر دانی تنها بخشی نا چیز از ستایش خواهد بود که خلق قهرمان ما از شما خواهد نمود. و نیز این مقام و مت سرسختانه شما جزئی از مقام و متی است که میلیونها توده زحمتکش میهن ما برای رهایی بدان دست





ارگان سازمانی، نقش و وظایف آن

(قسمت آخر)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کار - سازمان دهیم

در رابطه با ارگان سازمان، چه باید کرد؟

اینک که نقش ارگان و وظایف رفق در قبال آن بشکلی مفصل طرح بررسی گردید تنها کا قیست خلاصه ای از وظایف هر رفق در رابطه با ارگان را در اینجا ذکر کنیم. لازم به تذکر است که اولاً این وظایف در رابطه با ارگان، برعهده تمامی رفق قرار دارد و باید به شکل درجهت پیشبرد آن سازمان - دهی لازم صورت گیرد. دوماً این بخش تنها جهت آرا شه رهنمودهای داده شده با ارگان بصورت جمع بندی شده تهیه شده است. توضیح لازم در مورد هر وظیفه و هر عملکرد در شماره های قبلی مقاله آورده شده است. اما ببینیم در رابطه با ارگان چه باید کرد؟

۱- توزیع نشریه: مهمترین وظیفه هر رفق در رابطه با ارگان سازمان ندهی توزیع نشریه در وسیع ترین شکل ممکن و رسانیدن آن بدست توده ها می باشد. این عملها نظیر که قبلاً توضیح داده ایم در وجه عمده در شرایط کنونی از طریق توزیع بدست بدست توزیع - محلی و پست سوسیالیستی انجام میشود. شبکه ای که بدین طریق در حول توزیع ارگان ایجاد میگردد، شبکه ای است (با بدینا شد) - منسجم با ارتباط های سریع، که هرگاه بدقت سازمان با بد، قرارهای منسجم داشته باشد، از نظرا منیتی حفاظت شود... در مواقع - لزوم جهت بسیج نیرو، تظاهرات موضعی، بخش ضربتی اعلامیه، بخش اخبار و... بکار گرفته میشود در رده ها و نسجا خود شبکه لازم جهت پیشبرد و هدایت قیام را میسازد.

۲- تکثیر و تجدید چاپ ارگان: در شرایط کنونی هر چند مکان چاپ وسیع ارگان موجود باشد اما ضرورت حمل و نقل، توزیع - درونی، انتقال به شهرستانها و... لزوم - چاپ متمرکز از منتهی کرده، جای بقیه متمرکز را ضروری میسازد. در نتیجه یکی از وظایفی که در رابطه با ارگان برعهده رفق قرار - دارد تکثیر و تجدید چاپ نشریه می باشد. در این مورد:

الف - بنا بر میزان نیاز ارگان باید در شهرستانها و در بخشهای مختلف تکثیر و تجدید چاپ گردد. این مساله بخصوص در - رابطه با رفقای هوادار و جهت رفع نیازها - یان برای توزیع ضروری است. مسلماً برای روشن است که برای - بسیا ر زهسته ها و رفقای هوادار تکثیر تهابی نشریه ضروری نیست.

ب - باید مطالب و مقالاتی از نشریه با تیراژی وسیع تکثیر و توزیع گردد. در این مورد عموماً "مطالبت تبلیغی و تهیجی و احیاناً اخبار نشریه" کارآیی دارد. این عمل میتواند در حاد و حتی بشکل دستنویس انجام شود. از آنجمله تکثیر مطالب و اخبار - کارگری نشریه و توزیع آن در کارخانجات، تکثیر رهنمودها یا راه شده از سوی ارگان و توزیع آن در محلات، مدارسها، پرنقاط پر جمعیت، توزیع وسیع مواضع سازمان در رابطه با مسائل مهم روز و... ضروری است.

ج - تکثیر و توزیع اعلامیه ها و تراکت های منتشره در نشریه، هر چند اعلامیه های - سازمان جداگانه تکثیر و توزیع میگردد اما چاپ آنها در نشریه با این هدف انجام میشود که در وسیع ترین مناطق (شهرستانها، روستا -

ها، مدارس و... تراکتها و اعلامیه های - سازمانی چاپ، دستنویس و یا بهر صورت دیگر تکثیر و توزیع گردد.

د - ساده نویسی مقالات و مطالب نشریه، ارگان سازمان در سطح کارگران و توده های - پیشرو تهیه میگردد عموماً "بسیار ریاضت مطالب آن برای کارگران و دیگر اقشار متوسط مفهوم و قابل درک نیست این برعهده رفقای هوادار و یا تشکیلاتی هر محیط است که با محور قرار - دادن مطالب ارگان به ساده کردن آن بپردازند و مطالب ساده نویسی شده را بدست توده ها - برسانند. ساده نویسی مقالات میتواند - آنها را با مسائل ملموس هر محیط و از آنجمله فاکتورها و شواهد موجود از مبارزات توده ها و یا سرکوب رژیم و یا وضع اقوام دیو... تلفیق - نمود و بدین طریق برداشته هر چه وسیعتر نمود. همین عمل را میتوان در رابطه با شعارهای - نشریه - بخصوص آن شعارهایی که در هر - محیط خاص بردهای وسیع دارد و در رابطه مشخص با مسائل توده های آن محیط است انجام داد و شعارهای سازمانی را با توضیح و یا مثالی - مشخص و مختصر تکثیر و توزیع نمود.

ه - از مهمترین وظایف در همین رابطه که متعلقا نه به قدرت و نفوذ آن توجهی نمی - کنند، برگرداندن مطالب و مقالات ارگان - بخصوص مطالب کلیدی و اصلی آن - به زبانهای محلی است. با بدینا زمانی که نیرو و توان ایجاد یک نشریه به زبان محلی را - نداریم حتماً "درجهت ترجمه مطالب اصلی ارگان به زبانهای محلی و در این رابطه - بردن آن به میان وسیعترین اقشار رفقایی - سرسرایان بکوشیم.

بهررو میتوان گفت - شبکه توزیع نشریه را به گسترده ترین، منسجم - ترین، مستحکمترین و فعال ترین شکل سازمان دهیم!

۳- بهره گیری از ارگان جهت سازماندهی فعالیتهای مبارزاتی:

ارگان محور تمامی تبلیغات ما است و از اینرو بهترین دستمایه جهت پیشبرد تبلیغ شقای در اختیار رفق میبهد در هر گونه تبلیغ رفق با بدین رفق بکارگیری - محور تحلیل ارگان از آمار، شواهد و دلایل آن بهره گیرند. ارگان همچنین محور - توزیع سازمان است در این رابطه ارگان - با بدینر هر هسته بشکل برنامه ریزی شده ای بمطالعه و بحث نهاده شود. مطالعات ارگان و هسته ها و تشکیلاتی با بدینر مطالب ارگان، سازمان با بد، در عین خواندن مطالب - ارگان با بدیست های مطالعاتی در رابطه با مطالب کلیدی و عمده ها معطرح شده تهیه و اجرا گردد.

نقش ارگان در این رابطه بخصوص در - شرایط کنونی بسیار حساس تر و پراهمیتتر شده است. در شرایطی که برگزای جلسات - (بخصوص جلسات وسیع) مشکل بوده در صد خطر را افزایش میدهد، در شرایطی که جهت جلوگیری

از نفوذ و ضربات پلیس با بدینر مطالب را به حد اقل کاهش داد و... ارگان میتواند (و - باید) نقش هماهنگ کننده و هدایت تشکیلات را ایفا کند. از اینروست که اجرا پر اهمیت - های ارگان نیز ویژگی و اهمیت خاصی میابد. وبه همین علت نیز، رهنمودهای آرا شده در

ارگان با بدیدرستی و با دقت تمام بکار - گرفته شود.

۵- تمامی مسائل ذکر شده تنها بکسوی یک رابطه دوجانبه بین رفق و ارگان است. در سویی دیگر مساله همکار تشکیلات و رفق جهت تهیه و تدار ارگان میباید شد.

۶- داشتن امکان تماس و نامه نوشتن به ارگان از حقوق مسلم هر یک از رفق تشکیلات و همچنین هواداران است. هر رفق میتواند از طریق مسئول خود بخواد که نامه اش به ارگان تحویل گردد. در این مورد است که هر رفق با بدینر وظایف زیر با شکل کامل انجام دهد.

۱- گزارش دهی - تهیه و ارسال - ارسال سئوالات، انتقادات و پیشنهادات در مورد - ارگان و مطالب آن - تهیه و ارسال مطالب، در مورد سه وظیفه اول بشکلی کامل سخن - گفته ایم در مورد وظیفه "تهیه و ارسال مطالب" نیز با بدیگفت رفق میتواند با بدینر رابطه با مسائل کلی که در محیط مبارزه شان وجود دارد و با در رابطه با مطالبی که در ارگان گمباید - اساسی احساس میکنند، در عین ارسال پیشنهاد و گزارش به تهیه و تنظیم آن جهت درج در ارگان بپردازند. مسلماً "برخورد خلاق با این مساله به تقویت نشریه و انعکاس هر چه وسیعتر مسائل اجتماع منجر میگردد.

۲- ارسال کمکهای مالی و تدارکاتی: شبکه سراسری ایجاد شده در رابطه با توزیع - نشریه با بدی مهم ترین منبع کمکهای مالی و تدارکاتی می باشد. با بدینا از این طریق بشکلی - با هم و وسیع نشریه را با بدینر سازمان - رابطه با بدینا مکانات متعدد موجود در شبکه، چون امکانات تکثیر، اتومبیل، خانه برای جلسه برد... را کارا ملاً سازمان داده و از آنها سودکافی برد.

۳- بردن نام ارگان بر میان توده ها: دیدیم که چگونه نشین برای این مساله تکیه دارد که توده ها با بدینا احساس داشتن ارگان سراسری را که میتواند مساله مشکلات خود را با آن - مطرح کنند، بدست آورند. دیدیم که چگونه نشین میگوید "توده ها با بدینر بیشتر با عنوان ارگان مرکزی با بدینا - داشتن یک روزنامه دائمی خودشان، با بدینر داشتن یک مرکز (رهبری) ایدئولوژیک برای خودشان، چیزی که قادرند همیشه به آن رجوع کنند و غیره آشنا شوند". - روشن است که با بدینر سازمان با بدینر مساله میسر نیست مگر با سازماندهی تبلیغی وسیع. با بدینر تبلیغات خود همواره برای این تکیه کنیم که "فلان خبر در کار درج شده"، "همانطوریکه کار نوشته بود... فلان سند توسط کار افتاد شد" "کار در مورد فلان شخص چنین افتا گوی کرده - است و... و بدین طریق تمایل توده ها را در - بدست آوردن و مطالعت نشریه، در داشتن - نشریه ای که مشکلات خود را به آن رجوع کنند - در این بزنیم.

۴- رفق! مگر "توصیه میکنیم، با بدینر - بشکلی کامل در تمامی هسته ها مقالات ارگان سازمانی... را بررسی و مطالعه نما بیدنا تا دریا شید بنگلی که کامل و دقیق تمامی - رهنمودهای آنرا بکار گیرید. با بدین

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

انقلاب شعله میکشد

گفتیم که انقلاب با بمب و یا با شکنجه و کشتار شکست نمی خورد، گفتیم که بدون - تعدیل بحران عمیق یا بندها قتلها، بدون به گردنش در آمدن چرخهای زنگ زده صنعت و بدون کاهش فشار خریدکننده ها کم برزندگی توده ها حتی بدل ساختن سراسر ایران به زندان نیز کار ساز نیست. در زندان انقلاب تداوم خواهد یافت، زندان با سر به شورش برخاسته است. گفتیم که هر چند رعب و وحشت بر توده ها حاکم گشته است و توده های بسی سازمان و غیر مسلح در مقابل دشمن، که انسجامی نسبی یافته بود و تا دندان نیز در سلاحهای آمریکائی غرقه بود، عقب نشسته اند اما کراتی، بیکاری، گرسنگی فقر، آوارگی، جنگ و اختناق و... همه و همه عاملی است که توده ها را به خیابان خواهد کشاند. خلاصه آنکه ما گفتیم بنا بر سبزه نمی توان چرخ انقلاب را پنجسرد کرد و یا جوخه های اعدام، به تنهایی، هر چند هزاران جوان، اما انقلاب را - نمیتوان اعدام کرد.

اینک زیبا نه های آتش فروزان انقلاب از پس خاکستر سرکوب سربورن کرده است اینک بار دیگر خگرطلابی خورشید رزم خلق از پس تیرها بره های اعدام و شکنجه، تداوم انقلاب را بنویسد میدهد. کینه های که ماها جمع شد، متراکم شد و با خسبون صیقل یافته اینک میجوشد و میوردتدا فوران کند، خشمی که ماها در چشمان خلق بر میزد اینک به با زوان توده ها جاری شده است. خلق که ماها نیسروی لایزالش را، مراکم نمود اینک بار دیگر با نه میدان مینهد، صدای زنجیرهای پرولتاریا و توده های تحت ستم که در اثر تکان های دست و پایی خلق میلرزد بخوبی از پس شلیک های دیوانه و ارجوخه های مرگ بگوش میرسد.

در ماه گذشته و یا بهتر، در دو ماه - اخیر ما هدتحوالات بسیاری در مبارزات توده ها بوده ایم. دوران کوتاهی که که کوچکترین اثری از بحث و سخن و نظریاتی چه رسد به بحث سیاسی و اعتراض به دولت در میان گزارشات توده های دیده نمیشد سبزی شده است. اینک نه تنها اعتراضات فزاینده و آج گرفته، نه تنها بسیاری از تهورات و رشادات های توده های بصورت - پراکنده در گزارشات دیده میشود، بلکه حرکات جمعی مبارزاتی نیز مجدداً - سازمان یافته و تیردشدر سرب و وسیع مبارزات خلق را میدهد. پس از چند ماه سکوت دیکتاتوری که میرفت، "وهم شکست انقلاب" را بر بسپاری و اخوردگان مستولی کند و بساط ابورتونیتسهای رنگارنگ را بر رونق نماید، با راهیما نمی چند هزار نفری در درود، در تشیع شهدای - خلق شکست، در پس آن مقاومت حماسی کما ووزان قهرمان در بسیاری نقاط - از آنجمله آذربایجان و قزوین - در مقابل فروشی گندم به دولت، هر چند در شکلی ابتدا، پس از آن اعتمساب قهرمانانه استا رلایت، پس از آن حرکتی دیگر از کشا ووزان، اینبار منسجم، - یکبار چه، پخته تر و شکل گرفته تر به وسعت تمامی "شمال"، مقاومت در مقابل فروش اجباری برنج، و در پی آن باز پرولتاریای قهرمان ایران، اعتمساب در شوقا زکار،

و ایران ناسیونال... در این میان نیز بسیاری حرکات دیگر در اشکالی کما بیش نظفهای یا پیشرفته، حرکاتی در - پارس الکتریک، نفت، صنایع دفاع،

کارخانجات تبریز و... آری! آنان که با دمیکارند بر استسی طوفان در رخا هند کرد، طوفان خشم خلق، طوفان سرخ انقلاب، اینک به درخیمان خواهم گفت که تا چه حد سرنیزه ها ایشان در مقابل مشت پولادین خلق ست است. تا چه حد لوله های تفنگ و قنداق های مسلسل در مقابل پتک خشم کارگران - ناتوان است و تا چه حد میله های پیوسیده زندان جلا در مقابل با زوان ستمبسر زحمتکشان رنگ میبازد، شراره های سرخ اعصاب و اعتراضات توده ها نشان از آتشی پرفروغ دارد. آتش پتک و داس، آتش مسلسل، آتش کین و خشم خلق، - آتش انقلاب، آتشی به وسعت سراسر ایران به سوزندگی استقامت روغارت قرنهای، آتشی که تمامی رژیم مزدورانش را خواهد سوزاند، آتشی گل نشان، که بسر تارک خود آزادی استقلال، نشان، زمین کارموسکن و بهداشت را داراست.

اینک بار دیگر با بدتجار بربا بکار بست، با پیدشاهار از زنده کرد و رهنمون عمل ساخت. با پیداهر عمل مبارزاتسی آموخت و آموزش داد. اگر میگویم، و اگر با وردا ریم که اعصاب مدرسه انقلاب است پس با پیدراین مدرسه بسیار چیزها آموخت با بدتجار برب مبارزاتی را جمع بندی کرد و ایستقل داد. همواره با پیدرپرسید، چرا فلان اعصاب شکست خورد؟ چگونه سرکوب شد؟ چگونه به پیش رفت؟ سازمانیابی آن چه بود؟ دستا وردهای فلان اعتمساب کدامست؟ سازماندهی محتاسب با آن چه بود؟... با بدتما می این زوایا مورد بررسی قرار گیرد تا قادر باشیم جمع بندی و نتایج آنرا به جنبش ارائه دهیم، از سوی دیگر با بدتجار برب دستا وردهای عظیم قیام بهمین ربا ر دیگر مرور نمود.

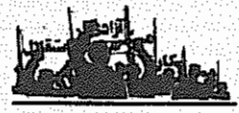
اعتمسابات اولیه، بی سازمان، اعتمسابات بعدی، شکل گیری صندوقهای اعتمساب و دروشتان کمیته های اعتمساب، هدایست کنترل ورهبری اعتمساب، پشتوانه مالی جهت اعتمساب کنندگان، تماس مداوم و تنگاتنگ با وسیعترین توده های کارگران اعتمسابی، تبلیغ، تهییج، آموزش در حین پیشبرد مبارزه، رویش ارگانهای اقتدارتوده ای از میان این شکلها... اینها دست آوردهای ما است. تجارب عظیم قیام بهمین.

اینک که با ر دیگر زرمه ها میرودتا به فریاد بدل گردد، اینک که ترنم شعرهای بلندتر میگردد و میرودتا به طنین سرود انقلاب در سراسر ایران بدل شود، - سازماندهی مبارزات توده ها بیش از پیش در دستور قرار میگیرد، با پیدپیشاپیش به استقبال خشمی رشد یافته رفت و سازماندهی درخور تلاشهای خلق را شکل داد. با پیدتوده ها را سازمان داد، با پید تلاش و کوشش را دوچندان، نه! صدچندان کرد، با بدتلیفنی وسیع را به پیش برد. کارگران را به بحث فراخواند! تبلیغ شفاهی اینک در بیشترین کارخانجات زمینهای مساعدا فته است، اما اینک کاف، نیست، با دستنویس، علامیه، با تراکت، با برجسب و شعرا ایده های انقلابی را بدرون کارخانه ببرید، پیشروبا پید در هر کجا حاضر باشد، دیوارها را به تا بسو اعلاشات خود بدل سازید، کارگران را به

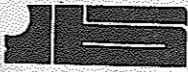
تشکل و مبارزه فراخوانید، جلوی - کارخانجات را از علامیه بپوشانید... علامیه، تراکت، اگر نه بحث، نشریه... بهر رو پیشروبا پیدایده های انقلابی را دهان بدهان با دست بدست تا اعتمساب پریهای چرخها و دنده ها، تا گستره - پهنشدت روستاها و تا فراخنا خاک آلود معادن نفوذ دهد، زمان، زمان تلاش - است، وقت، وقت، وقت حرکت است، اخبار جنبش را به صورت گسترش دهید، توده ها تشنه خبرند، کارگران را متشکل کنید. اینک میتوان صندوقهای بیکاری را سازمان داد، بیشترین توده های کارگر - تنها به شرط پلیس نبودن - با پید در این زمینه متشکل بشوند. فردا آنرا به صندوق اعصاب بدل خواهیم کرد، اینک صندوق بیکاری در مقابل با اخراج وعدم امنیت شغلی شکل میگیرد و فردا خود به - ما بندها اعصاب بدل میگردد.

در مدرسه، در روستا، در اداره، در مرحله در هر کجا که توده ها حضور دارند، در هر کجا که مبارزه طبقاتی جاری است با پیدمهر خود را بر این مبارزه کوبید، با پید آنرا در جهت انقلاب سازمان داد. خروش بر تپین خلق را با پید سلاح آبدیده "سازمان" همراهی کرد، با پید خلق را سازمان داد. با پید کارگران را سازمان داد، آنچنان سازمانی که بر پرچم مبارزات خلق کلام سرخ رهبری پرولتاریا حک شود، زیرا آنگونه که طلایه های مبارزه بی امان توده ها بنا نگراشت خشم خلق میرودتا - ابرهای سیاه دیکتاتوری را به آتش کشد، رود جاری توده ها با ر دیگر موج بر - گرفته و میرودتا سدفرتوت پیوسیده - جمهوری اسلامی را درهم شکند، با پید آنچنان سازمانی از توده ها برپا داشت که بسر ویرانه های محتوم این رژیم بنای کار، مسکن، استقلال و آزادی برپا گردد، بنایی با همت کارگران، با یاری زحمتکشان، ورنجبران، بنای جمهوری دمکراتیک خلق ایران و این میسر نیست مگر آنکه پرچم مبارزه در دست پرولتاریای قهرمان باشد و توده ها را در این راه پر پیچ و خم راهنا ورهبر گردد.

برای خیزش کارگران، زحمتکشان، دهقانان، سربازان، روشنفکران، کارمندان...، برپا خیزیم تا تمامی خلق متحدیده! اینک شعار کار در بینگوله های بیکاران در حلقی آبا دها، در زواریا دها و کبرها می پیچد و طنین میگیرد، ندای مسکن در میان آوارگان در میان زحمتکشان در دروازه غار رودر شا دگان میگردد و با زتاب می پاید، سرودا استقلال و آزادی دهان به دهان، در بند بند زنجیرهای استعمار و وابستگی در خانه خانه فقر و بی چیزی و در هر دو دکش کارخانه می چرخد و پژواک آن سرفاقت را در بر میگیرد، سوردراشی، سرود کارگران و زحمتکشان، سرودا انقلاب بر توان مبارزات خلق قهرمان، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق ایران.



رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



آرزوهای ذهنیات

بقیه از صفحه ۱
چهار تا آدم حسابی داشتند آنرا هم از دست دادند اینها دیگر رفتنی هستند. در میان کسانی که علاوه بر خوشحالی از ضعف رژیم نسبت به مرگ فرماندهان نیز موضع میگیرند وجه غالب با کسانی بود که ارتباط با این فرماندهان با جنگ نسبت به مرگشان اظهار تاسف میکردند. خانم کارمندی ز قشر متوسط میگفت "خوندها که بفرگ جنگ نیستند اینها هم که زندگیاش را روی این جنگ یعنی گذاشته بودند فدا شدند بیچاره ها! کارگر ما ختمانی میگفت همه شون سرتویک گریاست همین فلاچی جنگ را ادا مده! دماغ زده! رومی میگفت اینها آقا هی نداشتند صلابت قدرت - طلسمی را زیندا شدند فقط میچنگیدند یکی از رفقا گزارشگر ما مینویسد تا سف مردم از سانه هوا بیست تا ز درجه حمایت از جمهوری اسلامی بلکه از این جهت بود که وجود فرماندهان در این کار برای عملیاتش از نوع پیروزیها - اخیر که منجر به تصرف مجدد بخشی از خاک ایران شده بود لازم میداشتند."

در مورد چگونگی سقوط هواپیما اکثر مردم آنرا ناشی از انفجار ریبمب میدانستند و عامل آنرا نیز وجود جمهوری اسلامی میدانستند. مردم در این رابطه بر تضاد حزب و ارتش انگشست مینهادند و بطور ضمنی جانب ارتش را میگیرند مگر زده را میگویند "آقا خوبه که ست اینها آدم فهمیده را قبول ندارند" زن کارمندی - میگفت "مگر میشود از میان این همه هواپیما همین یکی سقوط کند، دروغ میگویند خودشان اینکار را کردند که فرماندهی ارتش را هم جزئی کنند. دیگه ما بدبختیم."
بطور کلی واکنش مردم در رابطه با این واقعه نشان میدهد که اکثر مردم منفردی از ارتش ندارند اما علاقه بهمیه آن ندارند. اقشاری از خرد بوزروا از مرفه و متوسط که غالباً با رژیم نیز مخالفند نسبت به ارتش متوهمند و در این رابطه احساسات شوونیستی آنان - شدت عمل میکند. مردم علیرغم اشتیاقی نسبت به ارتش و بین حزب و ارتش دید روشنی نسبت به این تضاد ندارند. با توجه به مسائل ذکر شده هر چند میدان عمل بیشتر و بطلت عدم روی روشی مستقیم ارتش و توده ها برای تبلیغ در این مورد محدود است اما با پدید آمدن تضاد در عملی توده ها در دوران قیام، حمایت فعال و همه جانبه خمینی از ارتش و وحدت حزب و ارتش در کشتار خلق کرد... شناختی صحیح را در مورد ارتش و همچنین در این رابطه تضاد موجود بین حزب و ارتش (تضاد میان ضد خلق) به میان توده ها برد.

۵- سوئین انتخابات ریاست جمهوری :

با توجه به گزارشات متعددی که از تهران و شهرستانها داشتیم میتوان گفت علیرغم تهدیدهای گوناگون رژیم اکثریت مردم - انتخابات را فعالانه تحریم کردند. این سخن تحریم بقدری عمیق بود که حتی با سدا رها اجازه - ما هم به آن معترف بودند. علیرغم اینکه قبلاً در این مورد سخن گفته ایم اما به بازنگری کوتاهی برگزارشات میپردازیم. در گزارشی از شیراز میخوانیم که...
خب اینها آنقدر خلوت بود که بقول یک کارگر نفت انسان وحشت میکرد در خیابانها قدم بزند. تفسیری که ملاکیفی با روزهای - انتخابات بینین به چشم میخورد. در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری توده ها اگر در حوزه ها حضور نیافتند اما خب اینها مملو از جمعیت بود و مردم حداقل برای - شما به خب این میا مدینه، در حالیکه در انتخابات اخیر ترجیح داده بودند در منازل بمانند و اساساً حضور نیافتند اما این سخن تحریم کرده بودند... با سدا ریدریکی از حوزه ها با عصیانیت بلند بلند میگفت "حیف

است آدم برای این مردم کار کنند. یعنی امروز روزا انتخابات است همه رفتند ندوختا نه - قایم شده اند و با سدا ریدریکی به ازاری - دادند، به دوست میگفت "میدانیم رای - دادیم اما خود آنتقدر خالی بود که خجالت کشیدم" در گزارشی دیگر آمده است در مناطق پشت جبهه با وجود اینکه توده ها را به قطع جیره تهدید کرده بودند اما شرکت در انتخابات انگشت شمار بود اگر در انتخابات قبلی آنها بی که رای نمیدادند جرات برای زحمت را علناً نداشتند ولی در انتخابات اخیر آنها بی که با لاجبایا از روی ترس رای - دادند سعی میکردند این مسائل را پنهان کنند که خود را سرا فکنده حس میکردند "در گزارشی از تبریز آمده "استقبال مردم نسبت به سابق نیز کاملاً شایسته بود و تک و توکا افرادی در حوالی مسا جدید دیگر حوزه ها دیده میشدند. عده ای به این دلیل که همسایه شان پاسدار است و ممکن است آنها را لو بدهد، یا از ترس اعدا مها وزندها و احتمال اینکه مهربانند انقلاب بخوبی ندانند، اما با تمام - این احوال شرکت کنندگان بسیار کم بودند و عدم رضایت را بخوبی میشد در چهره پاسدارها و وسیجی ها که دم حوزه ها ایستاد بودند دید "رفیقی از اباهر مینویسد "در روستاهای میلان، خلیفه، حصا روکه جمعا "۲۵ نفر رای - داده بودند که اغلب شنا سنا مده نداشتند."

ما مور مندوزق ۱۵ را خودش را یاد داده بود" رفیقی از خوزستان مینویسد "حتی بسیاری از انتخابات بی خبر بودند و سرتیپان یک مینی بوس که ظاهراً "تعمیر کار بودند می - برسیدند" مگر امروزه خبر است که راهپایا راستها اند "در خوزستان در محلات اسکا - جنگزدگان از اولین ساعات رای گیری تا پایان آن ما شینها یکمیت به بلندگو مردم را تشویق به شرکت در انتخابات میکردند" در حوزه ها به شیوه های مختلف صف مصنوعی ایجاد میکردند مثل کند راه انداختن مراجعین دیر آوردن صندوقها، جمع کردن بسیجی ها، نگهداشتن مردم بیرون دروازه...
اما بهر رو دیگر توده ها هیچ توممی نسبت به انتخابات فرما پیش رژیم ندارند. جملات زیر تنها بخش بسیار کمی از سخنان توده - ها است. مرد شیدا "مذهبی میگفت اینها که اصلاً" با رایها انتخاب نمیشوند هر کسی را که خود شون بخوانند انتخاب میکنند. زن - زحمتکشی میگفت "در انتخابات خا منهای - شرکت نمیکنم چون میدانم برای جیب خوشتان کار میکنم پسرایا کار نمیکنند و حرف ما را بحساب نمی آورند" خانم مسی خرد بوزروا میگوید "این خمینی مثل حضرت موسی معجزه میکند و ما به زمین خشک می زد آب در می آمد، این دست به صندوق های خالی میزند و حرفه رای بیرون میاید" کارگر خوزستانی میگفت "همه جا صحبت از خا منهای است از آقا که خا منهای را بزرگ کرده تا بچه پاسدارها و بسیجیها، خود شون بریدند و - دوختند کسی به اینها نمیگوید با این رو که خودتون ا انتخاب کردید چرا مردم را بزور میکشید یا صندوق "مردی که از حوزه بیرون - میا مدگفت "به خا منهای رای دادیم تا مردم را از شرا و راحت کنیم و ما را از شر دنیا "ا اشاره به حسی بودن ترور خا منهای داشت. زن زحمتکش عربی میگفت "میدونی اینها - خا منهای علیل و بی دست را کردند رئیس - جمهوری که اگر نشاء الله ترورش کردند چیزی

از دست ندادند به شند "در بیان ادا ره خطا بیه ارتباط رجوعی که سراغ دید بر میگرفت گفت "راستش میدونی بیرون ما توبیندا ز تو صندوق رای بلکه بدستش برسد چون اون یک هفته - است رفته داره صندوقها را بر میگردد" شخصی که تا چند ماه قبل حزب اللهی بوده میگفت "هر چه بچه های مردم بیشتر اعدا میشوند و زندانها پرتر میشود، رایها هم بالاتر میرود" سربازی میگفت "ما را برای ایدان اجباراً" یا صندوقها بردند ولی طبق قرار قبلی به

بها نه های مختلف از صف جدا شدیم از غنفر فقط ۵ نفر را یاد دادند اما در یک زندانی - آسیا می گفت "پسرم کارگزار است و در زندان است برای شما که ما شنا سنا میخواستند ما را میدهند تا بهانه بگیرند" و مرد خرد - بوزروا بی میگفت "بخاطر مهر را میدهم چون میخواهم تیر آهن از اتاق بازگرا نیگیرم" - آتش زدن اتوبوس شیراز :

کلیه گزارشاتی که در این مورد آمده است - ایام مبنی بر این است که کلیه افرادیکه در این مورد صحبت کرده اند آتش زدن اتوبوس را کار خود رژیم میدانستند و وعده تان نیز آنرا با ما جرایمنا ر کس مقایسه کرده اند. توده ها با این برخورد خوبی روشن کردند که خط و مزن نیروهای انقلابی و ضد انقلابی را تا حدود بسیار زیاد خسته اند. اغلب مردم با استناد به کشته شدن مردم عادی تبلیغات رژیم را دروغ میدانستند و خود رژیم را عامل این جنایت معرفی میکردند. مرد ۵۰ ساله خرد بوزروا بی میگفت "کار خود شون است - میخواهند به ما زمان عقوبت المللی - ثابت کنند که ما همدین مقصودند رژیم - یک دریا نمیکفت "مگر شاه با سینما رکنس توانست مردم را قریب دهده که اینها بتوانند کارگری زکا رخا نسا کار میگفت "کار خود شون است چطور تا خواستند فرار کنند در اتوبوس بسته شد چطور یکی از دوستان ما هدیه داده - است که ما هدیه میخواستند اتوبوس را - آتش بزنند اول مردم را پینا ده کردند "بیر مرد زحمتکشی میگفت "اینها دروغ است من خودم ناظر بودم که آنها اتوبوس را از مردم خالی میکنند. ما هدیه میخواستند ضربه به دولت بزنند نه به مردم آنها هیچوقت مردم را نمی کشند..."

علیرغم تمام این برخوردها که - بیانگر شدت سیاسی مردم و شناخت ما هیت ضد خلقی رژیم است توده ها کلاً "بخاطر نیاز - شان به اتوبوس با آتش زدن آنها، هر چند مطمئن باشند به آسیب تانیرس، مخالفند بعنوان نمونه در گزارشات ارسالی قبل از آتش زدن اتوبوس در شیراز توده ها به اشکال مختلف ناراضی خود را بیان می کنند، و رژیم نیز مبنی بر همین تانکتیک - غلط ما هدیه به تبلیغات میپردازد. در گزارش یکی از رفقا میخوانیم "بطور کلی آتش زدن اتوبوس شرخوسی بر مردم ندارد. را ننده ها یا اتوبوس تحت فشار کابیت - بیشتر از امنیت جانی، امنیت شغلی خود را در خطر می بینند و غالب مردم این کار را - اصلی ندانسته، در پی راه چاره برای - جلوگیری از این کار هستند. را ننده اتوبوسی میگفت "این دلیل نمیشود که توبه حق خودت نرسیدی خا لاینا بی اتوبوس را آتش بزنی" در اتوبوسی که خلوت بود خا تم منستی که خرد - بوزروا بی متوسط بود میگفت "دیگر مردم میترسند سوا را اتوبوس شوند" را ننده اتوبوس که جوانی حدود ۲۵ ساله بود میگفت "دیروز سر را هم دو اتوبوس را آتش زده بودند در فکر را ننده ها شون بودم آخرش کت آنها را اخراج میکنند و ضد انقلاب میشوند"

۷- شایعه مرگ صدام :

این مساله تنها از نروقال بررسی و مهم است که به با رزترین شکلی ذهنیت - توده ها نسبت به جنگ ارتجای را مشخص نمود. واکنش توده ها را در این مورد میتوان در سه کلمه، که در هر گوشه از حرکات آنان بر - میخاست جمع بندی نمود: صلح، صلح، صلح. - تمایل توده ها - صلح، نجان ر شدی افته و شدیداً است که دیگر حتی بقید و شرط آن و بیرون رفتن یا نرفتن عراق از خاک ایران هم دیگر - برای آنها چندان مطرح نیست. آنچه برای - توده ها طرح است را بطنه صلح مشکلات موجود و راه حلها شون بودم آخرش کت آنها را اخراج رفیقی در گزارش خود نوشته است "بوق - بقیه در صفحه ۸

ارزیابی ذهنیات

بقیه از صفحه ۷

انومبیلها گوش را گرم کند، سرکوبه سلوغ است، سرف یا کن های ما شینها به رقص در آمده، همه میخندند، زن ۵۵ ساله همسایه میگوید "جنگ میخواه، صدا مکه بمیرد جنگ صوماست" برا کتر چهره ها تبسم است همه بهم تبریک و چشم روشنی میگویند، بسریدر - انومبیل ها کیک برتاب میکند، پیرمردی به سجده یول میدهد... گزارشات نشان میدهد در مناطق شمال شهر چندان عکس - العملی نشان داده نشده اما در مناطق - زحمتکش نشین شاهدی مردم حتی با زمان فرار شاه قابل ملاحظه است، خاتم خانه دار بیبری میگفت "صدا مکه بمیرد جنگ تمام میشود، الان هر خانوادگی بیبیتی با غذا راست" - کارگر جوانی میگفت "صدا مکه بمیرد، صلح میشود، خدا یا شکر" "دکه دار مسنی میگفت راست میگویی؟ خوب دیگه؟ خوب دیگه؟ خوب دیگه؟ با نه ندرند راحت شدیم" کارمندان پایه - دارایی میگفت "اگر راست باشد عراقی راضی به صلح میشود، دیگه خسته شدیم، میدوارم درست باشد"

چرا مردم اینگونه خواهان صلح هستند؟ با سوابق مسالمانه را نیز میتوان از میان - گزارشات دربارت، درما هیبا خیرواکش - های منتفا و بی نسبت به جنگ دیده میشود - اکثریت مخالفین رژیم از اینکه جنگ چون جماعتی علیه خواستهها و اعتراضات آنها - بکار گرفته نمیشود تنگ آمده اند و بدورستی دربارفته اند که جنگ عامل موثری در برپا - رژیم سرکوبگراست، پیرمرد روستایی در شمال میگفت "صدا محسن بدر سلخته گسر قبل از شروع جنگ شش ماه فرصت میداد الان آخوندها رفته بودند ما دیگه این ما تمهاری نداشتیم، فعلا جنگ برای اینها آب و نان شده و از خدا میخواهند تا در قدرت هستند جنگ ادامه پیدا کند" "را نندده جوان و وانت میگفت! این جنگ جلوی سرنگونی این ها را گرفته چون مردم تا چیزی میخواستند رژیم جنگ را مطرح میکنند" کارگری خطاب به دیگری میگفت "معلوم بود اگر جنگ نبود با نه - اینها چه بود" "اشقا ریشتر را شرمناک - شونیستی نسبت به بزرگ مخالفت تردید دارند و آنرا به بعد از جنگ موکول میکنند، راننده تا کسی میگفت "اینها ترشون از - خورشان اینها ست اگر جنگ تمام شود پرشان را در میآوریم" دربارت پیریک موهسه - دولتی میگفت حیف که جنگ است و گرنه مردم یک روز هم برای زمین بردن آخوندها صبر نمی کردند، "زن کارمندی ز قشرون متوسط - میگفت" دیگه به ایدجی زندگی کنیم بگذار - جنگ تمام شود حتی منم را میخسبم! سلحه بدستم بگیرم و با بیروشها را بکشم، "درمد کمی مردم نیز که در وجه غالب از موافقین رژیم هستند مشکلات خود را ناشی از جنگ می دانند و رسیدگی به وضع مردم را موکول به صلح میکنند، شاگردیک مینی بوس میگفت - "این جنگ کی تمام میشود که ما بدبخت شدیم" کارمندی دولتی میگفت "خانما باور کنید اگر بعد از تمام شدن جنگ وضع تغییر نکند من از همه ما لغت میخوام ولی خوب با بد تحمل کرد چون جنگ است"

درکل هر چند تا تکبزه های متفاوت اما صلح به خواهی عاجل بدل شده است، در این رابطه کم کارویی توجیهی محسوس نیروهای انقلابی و از جمله سازمان ما در سطح فعال این توده عظیم حول خواست همگانی صلح - شدیدا مشهود است، پیشرو یا بستی به این امر، که قدار است نیروی عظیم را به مبارزه - بکشاند، بهای کافی میدهد، تنها در آخرین توجه و سازماندهی تبلیغاتی است که میتوان از او جگری مجدد و شوونیستی بر اثر "پیروزی - های رژیم و ایجا دارتشی تهران و

محبوب! بعنوان آخرین شمره نکبختی - جنگ جلوگیری نمود، علل جنگ، علل تداوم آن، شمراآت آن برآی بورژوازی حاکم آن چیزها بیاست که باید به راه و صدبار به سه مردم توضیح داده شود و از این طریق مبارزه ای ظیفا تی بر علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی سازمان داده شود، رفتگری میگفت "به ما - گفتند! صافه کار ریها ی طلب مان را بحساب جنگ ریخته اند، آخرنا مسلمونها از خدا بی - خیرها، شما نمیدانید برای چندرکان زتوی خانه ما چه جنگی است با ورکن در خانه ما - جبهه اش از جبهه جنگ صدا میزند خطرناکتر - است آنجا اسیر میگیرند و از نگاهداری می کنند! لینه با پول اضافه کاری ما بدبختها ولی در خانه ما سریک لقمه نانیا سریک دانه میوه همدیگر را میخورند"

توده ها و حاکمیت آینده:

اینک توهم توده ها به امکان تغییر ازبلا بکلی کاملا" غالب از زمین رفته است و ایده سرنگونی رژیم پیش از پیش بر ذهن توده ها حاکم میگردد، اما از جبهه حکومت آینده، شکل آن و نیروهای تشکیل دهنده آن، توده ها بطور کامل درگیر چسری بسر میبرند، - بر خوردها در این مورد بسیار محدود و کاملا" ابهام میزاست، هر چند ایشا روسیعی از - توده ها دیگر در رابطه با تجربه مشخص خود به خواسته های دمکراتیک، غذا، مهربانی لیستی خود کاملا" واقفند اما در مورد نوع حکومتی که میتواند این خواستهها را تحقق بخشد - شناختی ندارند، توده ها برای اثر تجربه - خیانت خمینی حتی دربارت اعتما دیسه نیروها بی که خواسته های آنها را طرح میکنند نیز تردید نشان میدهند، علیرغم قدارت اینها و از آن گذشته گیهای مجاهدین و دیگر - انقلابیون که اعتما دوسوع توده ها را بر - انگیزخته، اما این تردید که "تکنند اینها هم مثل خمینی رنگ عوض کنند" دربر خوردهای مردم مشهود است، دختر دیپلمه خرده بورژوازی فقیر میگفت "از کجا که مجاهدین به حرفهای - شان عمل کنند مگر شاه رفت خمینی آمد از کجا که یکی نیا بیده از خمینی تدارب شده، نشمیشود به کسی اعتما دکرد، "از راننده - وانت پرسیدم "شما در نظرات هرات شرکت - نکردید" جواب داد "آخه ما میترسیم برویم، از کجا میدونیم اینها اگر فردا بیا بند چکار میکنند ما یک دفعه شرکت کردیم ایندی می شد ولی این دفعه دیگه با یدیا حساب و سنجیده بدونیم برای چی با یدر نظرات شرکت کنیم، "زن میانسال خانه خرده بورژوازی متوسط میگفت میترسم اینهمه جوون بدیم و با زهم آمریکا سراغ ما بیاید، مرتبه دوم اینها که بعد از آخوندها میآیند چه گمانی هستند و چکار میکنند، حرف که قایده ندارد" کارگری زلفش ملی میگفت "آدم نمیدانند به کی اعتما دکنند، این رژیم رفتنی است اما از کجا که بعدیها به حرفشان پایبند باشند" مغازه دار پیر می گفت "خمینی چکار کرد که مجاهدین بکشند مگر خمینی کم گفت استقلال، آزادی" راننده یک کامیون میگفت "شما به من قول میدی که رجوی بر حرفهایش نزنند آخه قدرت همه را کور میکند"

توده ها نه تنها دید مشخصی نسبت به شکل کسب قدرت و شکل و ترکیب حکومت آینده ندارند بلکه معیار رومانی بده ای نیز برای سنجش شمره های نیروهای اپوزیسیون در دست ندارند و از اینرو نیز برخی نیروها قادر میگرددند با طرحها و راهی کلی و غیر مشخص بار دیگر جنبش را به انحراف بکشاند و بخشی از توده ها را بدینال خودروان سازند، اینک محوریترین و عمده ترین وظیفه تبلیغاتی پیتروریا بدستگزی نیروها بین سالها شد، با ید تبلیغ تشکل توده ها و تسلیح آنان - بر داد خت، با ید تشکل و تسلیح اپوزیسیون - اساسی ترین معیار رشتنا خت حکومتی مردمی و انقلابی به میان توده ها برد، با ید به آنان گفت تنها توده ها و تشکل و مسلح قدارند به

استقلال، کار، مسکن و آزادی جامعه عمل به پوشا تند، با ید گفت که انقلابی ترین نیروها نیز هرگاه توسط خلق مسلح حمایت نشوند قادر به پیش بردن اهداف و شعارهای خود نیستند، با ید با تکبیه بر تجربیات توده ها در دوران قیام و پس از آن، تجربیات آنان در رابطه با شکل قبضه قدرت از سوی خمینی، خلع سلاح، سرکوب شوراها و سپس با ید دستاورد - های قیام برای توده ها روشن کرد که تنها تشکل و تسلیح توده ها ضامن سرنگونی انقلابی رژیم است

جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۲

تهران، ۶ نفر از اجراج کرده اند که از این عده تعدادی افراد دفا سدوا بسته به رژیم گذشته و تعدادی افراد عادی و برخی نیروهای انقلابی نیز در میان آنها بوده - اند، ولی تلاش رژیم - سیاسی قایده است چرا که کارگران و زحمتکشان به خوبی میتوانند نیروهای انقلابی را تشخیص داده و بی به سیاست فریبکارانه رژیم ببرند.

تهران -

۱۴/۸ - آبا نماه از کارگران کفش وین، ملی و بلاخوا هستند که با جبار با ید دوساعت اضافه کاری رکنند یعنی روزی ۱۰ ساعت کار ولی کارگران شنیدند "مخالفت کردند" بطوریکه مدیر عامل مجبور شد مسئله را به این صورت تصحیح کند که هر کس دلش - میخواهد روزی دوساعت اضافه کاری کند.

تهران -

۱۶/۸ - در کرج اعلامیه ای بخش میشود که به کارگری که سه سال سابقه کار دارد و وام مسکن برده اخت میشود، شش ماهه کارگران صف می بندند، سیاه از ترس از دهام دستور - با زکشت میدهد می گوید اعلامیه دروغ بوده کارگران اعتراض می کنند که چرا دروغ - گفتند، کار به درگیری وسیع می کشد و عده ای نیز دست به تظاهرات و شعارزدادن می زنند سیاه تیراندازی کرده و یک کارگر شهید - میشود، سایرین جنازه، او را بدوش میگیرند و در شهر میگردند، جریان تا صبح فردا - ادامه پیدا میکند.

تهران -

۱۶/۸ - بیکاران کرج هفته گذشته مقابل اداره کار ریاسی کرج راهپیمایی داشته اند که گفته میشود به زد و خورد انجامید خوزستان

استانداری - اخیرا "طبق بخشنامه ای که از سوی ستانداریه اذرات و موسسات مختلف ابلاغ شده است که تمام کارمندان زرد با ید با مفتحه بسرکار اجا ضر شوند در غیر این صورت اجراج خواهد شد، در ضمن در خانها نیز بلاگاردها می بینی بر رعایت کامل اجاب نصب کرده اند که هر کس از این امر تخطی کند دستگیر شده و مشمول حد شرعی، یعنی ضربه های شلاق در ملاعما خواهد شد

گیسوان - مهرماه:

رژیم جنا بیکار جمهوری اسلامی که چهره فد کارگری خویش را در سرکوب شوراها و واقعی کارگری، دستگیری و اعدام کارگران - مبارز و ایجا دشواریهای فرمایشی به عینت نشان داده است، اخیرا "یکی از نمایندگان شورای لایسگا و پیتروشیمی را به - سرم اینکه نما ینده واقعی کارگران را بدست، توسط سیاه دستگیری کند، با ید راننده به که می پندارند نتخاب نمایندگان شوراها ی سرخ کارگری هم چون انتخابات فرمایشی و قلبی آنان میباید از سوی خواسته اند تا اساسی اشخاصی را که به روی رای داده اند بگوید، سرانجام پس از ۱۶ روز با ید شست و ی را از آذ کرده و از لایسگا اجراج - می کنند.



گزارشی از وضعیت برخی از مناطق جنگزده

۱- فلاحیه (شادگان) در فاصله ۶۰ کیلومتری آبادان قرار دارد و فاصله آن از سربندر ۵۰ کیلومتر و از اهواز حدود ۶۰ کیلومتر می باشد. شادگان یکی از مناطق بومی خلق عرب بوده و چه قبل و چه بعد از قیام یکی از مراکز شش حرکت انقلابی و تعرضی خلق عرب بوده است. مسئله ملی، یکی از مسائل توده ها بوده و نسبت به ملیت عرب تعصب خاصی در این شهر به چشم می خورد که شاید در سایر شهرها نباشد. خلق عرب مقیم هستند که متردیده شود. همین تعصب نسبت به مسئله ناسیونالیسم عرب موجب شده است که تعدادی از جوانان ناسیونالیست تحت تاثیر افکار رشیونیستی، به رژیمهای ارتجاعی عرب منطقه گرایش نشان دهند. در این شهر از کارخانه تولیدی و... خبری نیست عمده کارگران که در این شهر شاغل هستند کارگران خدماتی شهرداری و سایر ادارات دولتی می باشند و با شادگان کارگران ساختمان، اکثریت توده ها به کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند. اغلب کشاورزان قطعه زمین کوچکی دارند و دهقانان بی زمین طبق عرف معمول، در کشت منطقه ای در میزان محصول سهیم میشوند. اکثریت توده های این شهر خریده بورژوازی شهرده (از مرفه تا فقیر) تشکیل میدهد علاوه بر این تجار بزرگ مالکان و سرمایه داران نیز در این شهر وجود دارند. جدا از حرکت معدودی که در زمان رژیم شاه صورت میگرفت و اغلب با شکست مواجه میشد، تا قبل از قیام حرکت تعیین کننده ای با مضمون انقلابی وجود نداشت و همواره سران و مترجم عشایر حرکت توده ها را تحت کنترل داشتند و هیچگاه - پتانسیل انقلابی توده ها علیه رژیم اقتصاد و سیاسی و فرهنگی از سوی رژیم شاه در جهت منافع آنان حرکت در نیامد. اما در دوران قیام خلق عرب نیز همگام شما می توده های مردم بر علیه رژیم شاه و مبارزه برخاست. کارتون فرهنگی خلق عرب که در ارتباط با کارتون فرهنگی خرمن خورده بود نقش فعالی در جهت آگاهی بخشیدن به توده ها بازی نمود. سرکوب جوانان انقلابی پرهیزی مدنی و غرضی (این شهر که اغلب در کارتون فرهنگی فعالیت داشتند و ایجاد دجلو اختناق پس از قیام و خردا تلاشی بود که رژیم برای سرکوب خلق عرب تدارک دیده بود. با آغاز جنگ موج سرکوبها و دستگیریها افزایش یافت. سطح نازل آگاهی توده ها، نبود شکل سازماندهی لازم در میان توده ها و عدم حضور فعال سازمانهای انقلابی، تنها مانع از آنست که رژیم علیه فضا روحیانه رژیم، حرکت اعتراضی گسترده ای صورت نگیرد. البته نفرت و انزجار توده ها از حاکمیت کارمندان و اشرار است و اعتراضات فردی بسیار گسترده می باشد. پس از آغاز جنگ، او را گن بسیاری بسوی شادگان آمدند و این شهر بعنوان اولین ایستگاه جنگ زدگان در آمدگان از آنجا بسته به توان مادی خود می توانستند به شهرهای دیگر عزیمت کنند. مع الوصف تا مقطعی که این شهر مورد یورش رژیم عراق قرار گرفت بیش از ۱۵۰ هزار نفر در این شهر و دهات اطراف آن ساکنان

با فته بودند و پس از حمله عراق، اکثریت جنگزدهگان شهر را ترک کرده و در میانها ویا در سایر شهرها و در میان دین و خیا با آنها سکنی گزیدند.

سربندر

در ۹۰ کیلومتری آبادان قرار دارد شهری است نسبتاً نوساز عمده ساکنین آنرا کارگران و کارکنان بندر خمینی و گمرک و... تشکیل میدهند. کارگران بندر عمدتاً بصورت پیمانکاری و قراردادی بکار اشتغال دارند. در رژیم شاه آنها برای سکونت خویش مجبور بودند از خانه های چوبی و حلبی (در بندر خمینی) که خود ساخته بودند استفاده کنند اما بدلیل اعتراضات کارگران به وضع بد معیشتی از یکسوی و شکل ظاهری این خانه ها از نظر افکار عمومی و کشتی ها که از خارج محموله به بندر می آوردند از سوی دیگر موجب گردید که رژیم آنها را شرایطی اجازه ساختن خانه ها ندهد. این خانه ها عمدتاً با بلوک ساخته میشود و به بلوکی ها معروف گشت کارمندان گمرک و سایر کارکنان نیز در خانه های سازمانی در سربندر مسکن گزیدند. این شهر که تا قبل از جنگ از شهرهای کم رفت و آمد بود بعد از جنگ به یکی از پرجمعیت ترین و پر مسئله ترین شهرهای منطقه درآمد. ساکنان ۴۰ هزار نفر از جنگزدهگان به شهر چهره دیگری بخشیدند. اکثر قریب به اتفاق آنان از جنگستان عرب تشکیل میدهد. و از آنجا که نقاط مشترک گونا گونی از نظر طرز زندگی، فقر و فلاکت و... بین آنها می باشد سربندر جنگ زدگان وجود دارد رژیم موفق نشد اختلافات و درگیری های را که در نقاطی چون پهبان و شیرازین آنها می جنگزدگان پدید آورد. در این شهر وجود دارد کارگران بندر خمینی را بدلیل نوع کار (بارانندازی و تخلیه و...) معمولاً روستاییان و مهاجرین ساکنین. تشکیل میدهد. توده های کرد، لر، ترک و اخیراً "عرب عمده جمعیت این کارگران را تشکیل میدهد. سطح نازل آگاهی و پایگاه روستایی و با نتیجه تردید و نزول آنان به بیشترین حربه را جهت استثمار هر چه بیشتر آنان فراهم کرده و رژیم با ایجاد رقابت در بین آنان - بیشترین بهره را برده است. اگر سطح آگاهی و شکل این کارگران با کار پیگیر و اصولی انقلابی ارتقاء یابد، این شهر با توجه به کمیت قابل توجه کارگران می تواند کانونی جهت اعتراضات و حرکت کارگری گردد. بویژه رشد نارضایتی و وضع معیشت کارگران چنین زمینه های را فراهم کرده است.

ماهشهر

که قبلاً به "معشور" معروف بود در ۱۰ کیلومتری سربندر قرار گرفته و شهری نسبتاً قدیمی است و از دو قسمت کهنه و نوتشکیل میشود. ماهشهر کهنه را بیشتر اقشار میان و فقیر خریده بورژوازی تشکیل میدهد که بیشتر به کار خریده فروشی مکانیکی و... اشتغال دارند. سطح زندگی تفاوت فاحشی با ماهشهر نو دارد. ماهشهر نو را شرکت نفت و شرکت های وابسته آن عمدتاً جهت اسکان کارگران و کارمندان خود بنا کردند. کارگران کارخانه شیمیائی رازی، شرکت ملی نفت شرکت ایران و زاپین و... قسمت کارکنان نشین شهر را تشکیل میدهند. چهره مناطق مختلف شهر با تغییر وضعیت طبقه تاسی ساکنین آن تغییر می کند. منازل کارمندان یا درجات متفاوت شغلی در مناطق مختلف ساختمانها، تجهیزات،

خیابانها، درختکاریها و... متفاسات ساخته شده است. کارکنان زاپینی (شرکت ایران و زاپین) عمدتاً "در دو کمپ بسته نامهای کمپ A در ماه شهر که محل اسکان کارکنان مناهل و کمپ B در حوالی سربندر که محل اسکان کارکنان مجسرد میباشند مسکن داشتند که این مجموعه بعد از جنگ و قرار زاپینی ها به کشور خود، به تصرف جنگزدهگان درآمد که البته کمپ A را بیشتر کارکنان جنگزده ایرانی شرکت ایران و زاپین تشکیل میدهند در حالیکه کمپ B در حال حاضر حدود ۲۰ هزار نفر از جنگزدهگان فقیر و زحمتکش را در خود جای داده است. کارگران و کارمندان ساکن ماهشهر بدلیل وضعیت شغلی خویش از رفاه نسبی برخوردار نبودند و در حقیقت جزوا فشا مرفه کارگران و کارکنان بحساب می آمدند به همین دلیل از سوابق مبارزاتی شخصی برخوردار نیستند. البته حرکت اعتراضی کارگران پتروشیمی رازی باید مستثنی گردد.

امیدیه

و بطور کلی آگاهی از آنجا که در محدوده جبهه های بهره برداری نفت قرار دارد بدلیل ارتباط مستقیم کارگران کارمندان با مسئله تولید نفت، کارگران این منطقه از سطح آگاهی بیشتری برخوردار هستند و از سابقه مبارزاتی برخوردارند. اکثر ساکنین مناطق فوق با استثناء شادگان خریده های عمده خویش را از آبادان و خرمن خورده می آورند. پس از جنگ جمعیت کثیری از جنگ زدگان باین منطقه آمدند و جمعیت آن دو برابر شده است و مسائل توده ها از کاتال مسائل جنگزدهگان میگردد. ذهنیت توده ها و تاثیرات کتبکی حاکمیت و انقلابیون بر آن جدا از ساکنان بومی که خود نیز عمدتاً از اقشار خریده بورژوازی تشکیل میشوند عمده توده های جنگزده ساکن یافته در این مناطق را خلق عرب تشکیل میدهند از نظر طبقه ای عمده این جنگزدهگان را - اقشار خریده بورژوازی فقیر و زحمتکش تشکیل میدهد. درصدا کارگران فاسی تولید و خدماتی بمراتب کمتر از سایر اقشار است (کارگران و کارمندان) که از رفاه نسبی برخوردارند عمدتاً خانواده های خود را با سایر شهرها فرستاده اند خود فقط در خلال مدتی که سرکار هستند در منطقه میباشند (مشکلات اقتصادی - اجتماعی گوناگون تاثیر بلاواسطه ای بر روی ذهنیت توده ها باقی نگذاشته است. نداشتن گفت و بیکاری، وگرانی بیش از حد اجناس آنها را در تنگنا قرار داده است. از طرف دیگر سرکوب شدید رژیم و ایجاد دجلو خندان و ترور و زندگی را هر چه بیشتر توده ها سخت کرده است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، کمی پس از آغاز جنگ بسته سازماندهی وسیعی از رگانهای سرکوب همت گماشت و با دهنشی هر چه تمامتر سعی کرد تا با سرکوب کوچکترین حرکت اعتراضی تحت عنوان "زمان جنگ" پشت جبهه و... هر چه بیشتر توده ها را مرعوب سازد. می توان گفت که از زمان استادی جنگ در این مناطق خانه گردی، تعقیب و دستگیری و زندان و اعدام انقلابیون وسیعاً آغاز شد. سرکوب راهبیمانی های جنگزدهگان، کارگران بندر خمینی، کارگران فولاد، سرکوب انقلابیون خلق عرب بخصوص در شادگان بقیه در صفحه ۱۲



گزارشهای روستائی

روستای احمدآباد

قریب به اتفاق اهالی این روستا را کثرت و زانی تشکیل میدهند که فصل در زمستان را با صیادی میگذرانند و در واقع شغل آنها کشاورزی و صیادی است. مینا شد. اهالی این روستا در انقلاب شرکت فعالی نداشتند و بدین ترتیب فکسر میکردند که چینی نمیخواهند تا برای آنها انجام دهد. پس از انقلاب بدلیل فشارهای اقتصادی و راه دور و ممنوعیت در خرید و مشکلات کشاورزی و همچنین نبود آلترناتیو انقلابی، اهالی روستا خواستار بازگشت به شرایط گذشته بودند و تنها چند حزب الهی در روستا وجود داشتند که مردم دهنیز همواره با آنها درگیر بوده است. عوامل بسیج به ترتیب که شده سعی میکنند که مردم را به مسجد بکشند بطوریکه اخیراً به بیجا تمحیر کرده آنها را به مسجد کشاند و سپس بحث در مورد تشکیل انجمن اسلامی کردند. انجمن اسلامی روستا از ۲۵ نفره در سنین ۱۳- ۲۰ سالگی تشکیل یافته است و مردم به دلیل اینکه با ما رژیم را قبول ندارند این عوامل رژیم را نیز نمیپذیرند ما به نظر هری آنها کم سن و سال بودن این مزدوران رژیم است. رژیم برای تحمیل عوامل خود کلیه ما بحتاج مردم را از طریق انجمن اسلامی توزیع میکنند مثلاً نفت - قند - شکر و... توسط آنها

توزیع میشود اخیراً نا نوائی روستا کسه از کمبود آرد شکایت دارند زوسی انجمن اسلامی به او گفته میشود که اگر اسمن را در بسیج بنویسد آرد سهمیه او افزایش خواهد یافت. او فرادسیج و انجمن اسلامی تلاش دارند به هر حیلای که شده افراد خود را افزایش دهند. اخیراً چند تن از شا هدو ستهای روستا جهت کسب قدرت وارد انجمن اسلامی شده اند. اهالی زحمتکش روستا که بدلیل عدم تشکل لازم قادر نیستند مستقیماً در مقابل این مزدوران رژیم با بیستند چرا که مقامات آنها با گلوله یا بیداران - سرمایه موجه میشود، اعتراضات خود را از طریق انتقاد به آخوندها که از طرف بسیج آمده و... بیان میدارند و میگویند آخوند قبلی چه کرده بود که تغییر کرد و بیای گویند اینها (بسیجی ها) تا زه آمده اند بمانما زیاد می دهند و میگویند به مسجد بیاید که سنگراست، انگار ما بیگسار هستیم، شنیدانند که وقتی توی شکم ما در شان بودند ما نما میخواندیم در مجموع بسیج و انجمن اسلامی در این روستا و سایر روستاها از جمله دریا کنتسار، گل سین و... نهادهای ورشکسته ای هستند که از طریق توزیع ما بحتاج مردم تلاش میکنند خودشان را بر توده ها زحمتکش روستاها تحمیل نمایند.

کسر سند غرب

روستای "سیمانی علیا" در منطقه "گهوا ره گوران" و جزء بخش "کرشد غرب" در استان کرمانشاه میباشد. کثرت و زانی زحمتکش این روستا سالها زیر سلطه یک فئودال بزرگ قاسم حق نظری بوده اند. (تخمین زمینهای مالک از الوصف مشکل است) بعد از قیام خونین بهمن دهقانان این روستا با کمک و یاری دیگر روستائیان یکبار در سال ۵۹ خورشیدی استند این زمینها را - مصا دره و زیر کشت برند و به همین جهت توسط فئودال بزرگ "قاسم حق نظری" و جیره - خوا را نش مورد هجوم وحشیانه قرار گرفتند و چندین نفرشان مجروح و زخمی گردیدند. بعد از این واقعه دهکده با ملاح انقلاب -

اسلامی بعنوان به عنوان دست خوش به ما لک ۴۰ تن از دهقانان فقیر و بی چیزا که از فرط فقر رنجور و تحمل زور و شکنجه و گرسنگی و نابرابری را نیاورده و برای بدست آوردن حقوق حقه خویش دست به این عمل غیر شرعی و غیر قانونی زده بودند دستگیر و به زندان تحویل داده و حتی سرهایشان را تراشیده و در مقابل از هر کفشان ۵۰ ریال نیز گرفته و به این هم کتفا نکرده و برای هرو عده غذا ۵۰۰ ریال لابد برای مستضعفین! از جیب خالی آنان ربودند. ما پس از چند روز به علت اعتراض اهالی روستا آنان را آزاد نمودند. به هر حال ما حاصل کشت، با مینا زره متحدان نه و پیگیران روستا ثانیاً نصیب آنان شد. اما امسال (سال ۶۰) دستور کشت از طرف دهکده ضد انقلاب به "قاسم حق نظری" داده شد. ولی زحمتکشان بدلیل تجربه بدست آمده از مینا زرا نشان و آگاهای به منافع خود از کشت بوسیله فئودال جلوگیری نمودند. اما ایزار سرکوب دهقانان یعنی ژاندارمری بکمک ارباب شتافت و ۲۰ تن از زحمتکشان روستا را که از خوش نشینان بودند دستگیر و تحویل دادگاه اسلام با دهکده زندان و زندان در "پا طاق" محکوم شدند (مدت زندان مشخص نیست) لازم به توضیح است که "پا طاق" در نزدیکی سرپل ذهاب که یک منطقه جنگی است قرار داشته و زندانیشان حتی در زندان نیز تا مین جان نداشتند و هر لحظه در معرض خطر مرگ توسط مینا زان و شلیک توپهای دور برد قرار به این منطقه میباشند. بعد از این سرکوب دستور کشت به فئودال داده شد و از تاریخ ۶۰/۸/۲۳ این زحمتکشان در زندان بسر میبرند. این روستا از لحاظ مکانات رقاهای از قبیل آب آشامیدنی، بهداشت و... شدیداً در مفرقه بوده و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سرکوب و کشتار، ارضائی برای این ستم دیدگان نداشتند. دهقانان این منطقه با دیدن شکل دشواری ده و مینا مینا زره متحدان و پیگیر خود برای آزادی هم زنجیران خود و مصا دره و کشت زمینها بگوشند.

نداشته و نمیخواهند بردارد. رژیم کمزمانی با لاجبای روی بدلیل توهم توده ها که بر آن تکیه داشت، گاه و بیگاه شعرا را در این زمینه میدا دویا وعده و وعید و سخنان عوامفریبانه سعی در برپه پوشی اهداف خود داشت اینک که مدتی است آنچنان توده های متوهم را بدست خود ندارد و بر سر نیزه تکیه زده است، دیگر حتی آن شعرا را عوامفریبانه را هم لازم نمی بیند طرح جدید ارضیات برای این موضوع است. دیگر رژیم شمیرا از روی بسته است.

پیام کنگره

بقیه از صفحه ۴
و شادی شما شریک میدا نیم. دستان -
گرمان را میغباریم.
با مرگ ما پیروز روزی انقلاب
جا ویدان با د خاطر شهدای بخون خفته
خلاق
گرامی با د حماسه غرور آفرین مقام و مت
خا نواده شهدا و اسرای خلق
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
نا بودا مهربا لبسم جها نی بسر کردگی
امتهربا لبسم آمریکا و پابگاه دا خلیش
شرکت کنندگان در اولین کنگره سا زمان
چریکهای فدائی خلق ایران

کاخ نه ای داردا زو بگیرند چنانچه در مورد زمینها گفته بودند که میخواهند زمینها را از مردم بگیرند و حال آنکه در مورد زمین موات که هیچکس در آن زمین کاری نکرده این محبت درست بود..... اما زمین را که اعیان کزده و مالک هستند چه کسی میتواند بگیرد، این مسائل مطرح نیست (جمهوری اسلامی ۱۶ تیر ۵۸). و واقعاً در جمهوری اسلامی این مسائل اصلاً مطرح نیست. آنچه که خمینی و دیگر زعمای قوم در این باره اظهار داشته اند همان "روح اصلی حاکم بر قوانین اصلاحات ارضی است. حال اگر در این برهه یا آن برهه از زمان، بنا به مقتضای نظیر فضا رجنش های نو ده ای و دهقانی، یا لاد گرفتن اختلافات درون حاکمیت، اختلاف روش در چگونگی برخورد با مینا زرات توده - ها، معضلات اقتصادی و تشبیهت حکومت وینا فشارهای ناشی از عناصری در درون هیات های ۷ نفره و غیره، سخنانی به مملحت ایراد میشود یا حتی قوانینی از تصویب میگذرد، مسئله ای ثانوی است، که تنها در حد حرف باقی میماند و هیچگاه به مرحله اجرا در نخواهد آمد. و وقتی که "مفسده کلی" بر طرف شد آن قوانین نیز "خود خود لغو میشود". سرنوشت قوانینی که تا بحال در مورد اصلاحات ارضی گذرانده شده، چیزی جز این نبوده و نمی تواند باشد. این رژیم بنا به ماهیت و ناتوانی خود قدمی در مورد حل مشکلات دهقانان بر -

باز هم سر باره...

بقیه از صفحه ۱۵
ممکن است جدی بنده شده باشند. حال آنکه تا کنون از طرف رژیم جمهوری اسلامی، ۴ لایحه در جهت اصلاحات ارضی تصویب رسیده و طرح نمایندگان انجمن را ه علی است که برای این منظور ارائه میشود. حکومت هیچکدام از نوایح قننی را بمرحله اجرا در نیاورد. وحشی سرخی بال و دم و اشکم توری انقلاب نیز که آخرین قانون در این زمینه محسوب میشود، در این ابتدای اجرا متوقف شد. این همه سخنان نه بی برنا جکی و ندامتکاری های رژیم نیست، بلکه حکومت بنا به مقتضیات و مصلحت اندیشی ها و بقول خودشان برای رفع مفسده کلی (۱) بطور موهوم - شروط محدود - در زمانهای - تن به عقب - نشینی می دهد. اما ما هیبت بنا به عقب افتاده رژیم و وابستگی ها و علائق تاریخی آن به زمینداری بزرگ، نمی توانیم حکومت را ما برنا و بطور جدی در مقابل ما بسا زمینداران قرار دهد. خمینی زمانیکه لایحه ایزدی در دستور کار دولت بود، طی سخنانی خطاب به صاحبان صنایع و بازاریان عنوان کرد که "مملکت اسلامی است، ما لکیت را بر رسمیت می شناسد، دولت نمی تواند دخلی کند...". اینطور نیست که شما خیال کنید که بخواند هر کس -



نخستین گنگره سازمان

بقیه از صفحه ۲

اجتماعی موجود بنحولانیفکی با تحقق اهداف انقلاب پیونددارند. انقلاب - دمکراتیک توده‌ای ایران نه یک انقلاب سیاسی بلکه یک انقلاب اجتماعی است. این انقلاب یک مرحله‌گذار ربوی - سوسیالیسم محسوب میشود. مضمون طبقاتی آنرا دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی - کاکرگان واقفان متوسط و پایین خرد - بورژوازی شهروروستا تشکیل میدهد. قطعا مورش سیاسی پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک بشرح زیرتعیین میکند:

پرولتاریا که یکا نه طبقه پیگیروتا به آخرانقلابی است در مرحله کنونی انقلاب لایه‌های پائینی ومیانی خرد بورژوازی شهروروستا (دمکراسی انقلابی) را که منافع آنها در تحقق انقلاب دمکراتیک نهفته است از موضع پافشاری روی دمکراسی پیگیر پرولتری بخود ملحق میکند. لایه‌های فوقانی خرد بورژوازی (خرد بورژوازی مرفه الحال) را که بنا به خصوصیات طبقاتی خود یعنی خویشاوندی و نزدیکی با - بورژوازی در انقلاب ایران در موضع بینا بینی قرار دارد و تما یلات سیاسی (ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم) را تما بینگی می‌کند، منفردمی‌سازد. پرولتاریا بر اساس رسالتی که در دوران کنونی برعهده دارد، ماشین دولتی طبقه حاکم را که بزارسطه طبقاتی بورژوازی وابسته و امپریالیسم محسوب میشود به شکل قهرآمیز درهم می‌شکند، و با استقرار دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی کاکرگان و زحمتکشان شهروروستا (جمهوری - دموکراتیک خلق) که اساسا "برشوراهای مسلح کاکرگان، دهقانان و دیگر کشار زحمتکش خلق مبتنی است، انقلاب را به پیروزی قطعی میرساند.

قطعا ما بزار تحقق اهداف فوق را بشرح زیر اعلام میداریم:

الف - بدون وجود حزب انقلابی پیشرو طبقه کاکرگ، پیروزی قطعی انقلاب تضمین نخواهد شد.

ب - دومین رکن اساسی تحقق این اهداف جبهه و اتحاد انقلابی توده‌ایست.

ج - پرولتاریا جهت تحقق این اهداف، به یک ارتش مسلح نیا زمندد میباید.

قطعا ما این سه رکن اساسی را سه جزء لاینفک محسوب میداریم که در آن نقش عمده با تانمین و تحکیم همونی طبقه کاکرگ است که تضمین آدامه انقلاب در راستای سوسیالیسم محسوب میگردد.

قطعا ما همچنین متحدین جهانسی پرولتاریای ایران را در این مبارزه جنبشی‌های رها شیبش، اردوگاه سوسیالیسم و پرولتاریای کشورهای سرمایه‌داری - اعلام میکنیم.

اما در گنگره بر سر برخی موارد مربوط به روش سیاسی پرولتاریا نقطه نظرات دیگری نیز وجود داشت که در گنگره به تصویب نرسید. از جمله برخی از رفق - نیروئی که با بد منفر دوشونده لایه‌های فوقانی خرد بورژوازی بلکه بورژوازی متوسط بویژه بورژوازی لیبرال - میداندند.

یک قطعا ما دیگر نیز در زمینه هدف مبارزه را که شده اگر چکیده آنرا بیان کنیم چنین خواهد بود: این قطعا سه جمهوری شوراهای کاکرگان و دهقانان و سربازان را مطرح میکند. و بر این اعتقاد است که "این جمهوری دمکراتیک است، اما نه از نوع قدیم (یعنی نهادهای دمکراتیک - پارلمانی) بلکه از نوع جدید (یعنی نهادهای طبقاتی - شوراهای این دولت کاکرگان و سربازان و دهقانان متشکل و مسلح در شوراهای شکل گرفته و محصول عالی ترین مرحله تکامل انقلابی است، یعنی انقلاب حقیقی خلقی و درهم شکستن ماشین دولتی طبقه حاکم. این جمهوری بر بنیاد عالی ترین شکل دمکراسی یعنی دیکتاتوری اکثریت استقامت رزندگان، مرکزیت خود را از طریق اتحاد شوراهای برقرار میسازد. اتحاد شوراهای مسلح، مستقل و متحد کاکرگان، دهقانان و سربازان آن - حکومتی است که می‌باید بر کشور فرمان براند" این فرمول بندی نیز از سوی گنگره رد شد.

قطعا ما دیگری که در گنگره به تصویب رسید، پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی گرایش اساسی اقتصاد - اجتماعی و سیاسی جامعه، گروه بندی طبقات و احزاب و وظائف ما در وضعیت کنونی انقلاب بود.

این قطعا ما نیز که مبنای نظری آن قبلا در بنبر دخلق شماره ۳ (بخش اول)، مقاله سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی و سلسله مقالات "وضعیت کنونی و تاکتیکی ما" را نه شده بود، با لاتفاق مورد تصویب گنگره قرار گرفت و ضمن تاکید بر مسئله نیمه‌کاره بودن - انقلاب، بحران اقتصادی و سیاسی، چشم انداز اعتلا "مجازات آفکا رتوده‌ای و از جمله احتمال وقوع یک قیام مجدد، پیروزی قطعی انقلاب را وظیفه اساسی پرولتاریا اعلام میکنند و تاکید قیام را امری فوری و ضروری میدانند.

قطعا ما ضمن تاکید بر تدارک سیاسی و نظامی قیام بموازات یکدیگر، سازماندهی جنبش توده‌ای و در راستای آن سازماندهی جنبش طبقه کاکرگ را به متنا به وظیفه اصلی تدارک سیاسی قیام اعلام میکنند و تاکتیکی بسیج سیاسی توده‌ها را بنا به تاکتیکی عمده ما در لحظه کنونی میدانند. در قطعه سه برامرا اعتبار عمومی سیاسی بمشابه پیش شرط قیام و در این زمینه بر ایجاد کمیته‌های مخفی اعتصاب در کاکرگانها تاکید دارد. قطعا ما همچنین به ایجاد کمیته‌های مخفی هم‌آهنگی در ادارات دولتی و مدارس، سازماندهی هسته‌های مقاومت در محلات و مناطق روستایی و... اشاره میکند. قطعا ما اتحاد با دمکراتهای انقلابی را بعنوان جزئی از تدارک سیاسی قیام میدانند.

در زمینه تدارک نظامی قیام به لزوم سازماندهی جوخه‌های رزمی با خلعت آموزش رهبران جنبش توده‌ای در اشنای قیام و اهداف فوری آن میپردازد. گنگره اتخاذ تاکتیک مسلحانه را در لحظه کنونی جز در مناطقی ویژه تاکتیک فرعی میدانند. در مصوبات گنگره قطعا ما جداگانه‌ای به شیوه برخورد به احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی موجودا ختصاص یافته - است. در این قطعه ما سازمانهای سیاسی

موجود به چهار دسته تقسیم میشوند:

۱- احزاب فدا انقلابی - سازمانهای وابسته به بورژوازی (بورژوازی بزرگ - بورژوازی متوسط) که همگی در زمینه سازمانهای فدا انقلابی محسوب میشوند. احزاب سوسیال شونیست نظیر نجران و غیره نیز در زمرة احزاب سازمانهای فدا انقلابی محسوب میشوند. سیاست ما در قبال این احزاب مبارزه‌ها جنبه علیه آنهاست.

۲- سازمانهای بینا بینی - که از منافع طبقاتی و تما یلات سیاسی خرد - بورژوازی مرفه‌دعا میکنند و در انقلاب دمکراتیک موضع بینا بینی دارند، نمونه تیپیک این سازمانهای سیاسی، احزاب رفرمیست است. سیاست ما در قبال این سازمانها انفراد آنهاست.

۳- سازمانهای انقلابی - که خود به چند دسته تقسیم میشوند.

الف - سازمانهای سیاسی که انقلابی - ترین گرایش درون جنبش کاکرگی - و کمونیستی ایران را تما بینگی میکنند (طبق خط ۲)

ب - سازمانهای سیاسی وابسته به جریان موسوم به خط ۳ که گرچه بنا به اشرا فایدنولوژیک خود پذیرش سوسیال امپریالیسم در وحدت حزبی ماسمی‌کنند، اما ما دمکرا امپریالیسم امریکا و پاریکا جداگانه را دشمن اصلی خلقهای ایران میدانند و در قبال حاکمیت موضعی انقلابی اتحاد میکنند در زمرة سازمانهای انقلابی محسوب میشوند.

ج - دمکراتهای انقلابی - سازمانهای سیاسی که از منافع طبقاتی و تما یلات لایه‌های پائین ومیانی خرد - بورژوازی دفاع می‌کنند، نظیر مجاهدین خلق.

۴- احزاب و سازمانهای محلی (- وابسته به ملیت‌ها یا تحت ستم‌داران - مورد میتوان به حزب دمکرات کردستان اشاره کرد که گرچه بنا به تحلیل ما از موضع طبقاتی این حزب، در انقلاب دمکراتیک دارای موضع بینا بینی است، اما در لحظه کنونی در فدا انقلاب قرار گرفته است.

بحث‌های گنگره پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی با یک قطعا ما ویژه - پیرامون "شورای ملی مقاومت" و موضع ما در قبال آن پایان یافت. در قطعا ما - ای که بنا به مسئله ختصاصی یافت گنگره چنین مقرر میداریم که این ائتلاف یک ائتلاف میان لیبرالها و خرد بورژوازیست ما دمکریک جنبش ائتلافی وجود دارد و درود به این شورا مجاز نیست. موضع ما اینست که در جهت درهم شکستن این ائتلاف از طریق فشار پائین و ایجاد یک جبهه متحد از نیروهای چپ تلاش کنیم. بکوشیم مجاهدین خلق را از لیبرالها جدا سازیم چنانچه این ائتلاف مجاهدین و لیبرالها درهم شکست بر اساس برنا مه جدا قائل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک با آنها بمنظور سرنگونی رژیم متحد شویم.

در زمینه برخورد به شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق یک قطعا ما دیگر نیز از سوی برخی از رفق اشاره شده که به تصویب نرسید. این قطعه "شورای ملی مقاومت" را یک ائتلاف لیبرال - دمکراتیک میدانست و سیاستی که در قبال آن تعیین میکرد "قرار دادن اتحاد دمکراتیک - انقلابی توده‌های مردم در برابر شورای

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

بقیه در صفحه ۱۲

نخستین کنگره سازمان

بقیه از صفحه ۱۱

مقاومت ملی" است این قطعنا مه برای این اعتقاد است که اتحاد حقیقی تنها زمانی بدست میآید که خود مردم برای سرنگونی انقلابی و ایجاد نظم نوین دست به کار شوند و در این زمینه لازم است که گردانهای پیشرو جنبش کارگری توده ای صرف نظر از تنایلات سیاسی و اعتقادات در کمیته های عمل متحد شوند. اگر ایدئولوژی های عمل کارگری و هماهنگ کردن آنها برای سازماندهی اعتصاب عمومی سیاسی و وظیفه محوری دوره کنونی است. کمیته های مقاومت مصلحتی و کانون های با رتباتی در جهت بسط مداخلة مبارزه طبقاتی و با توجه به ویژگی ها و شرایط مشخصی با بدربیا شود.

تنها از این طریق در جهت تحکیم همبستگی لازم در جنبش توده ای و ایجاد رهبری انقلابی در نبرد میتوان پیش رفت. در زمینه برخورد به خط و مشی گذشته سازمان نزدیک قطعنا مه بصوب رسیدن در این قطعنا مه گذشته میشود که ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یک نقطه عطف و سرتا ز جنبش نوین کمونیستی ایران محسوب میشود. قطعنا مه بکارگیری تاکتیک مسلحانه را علیرغم انحرافات و ضعف هایی که با خود داشته است. با سرشت تبلیغی یک ضرورت میدان قطعنا مه همچنین مطلق کردن این تاکتیک را در یک مقطع از حیات سازمان و محوری دانستن آنرا در طول تمام پروسه مبارزه سازمان ردمیکند. در این قطعنا مه کمبیا

دادن به سازماندهی مبارزات سیاسی صغی توده ها و بی توجهی به مبارزه در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر، از جمله انحرافات دیگر سازمان در طول سالهای ۴۹ تا ۵۷ قلمدا شده است.

کنگره همچنین یک قطعنا مه به جناح چپ اکثریت اختصا داد. کنگره در این قطعنا مه پیشنهاد جناح چپ اکثریت را مبنی بر پیوستن به سازمان تصویب نمود. این قطعنا مه مقرر میدارد که نظر با اینکه طبق مواضع اعلام شده جناح چپ، در خطوط کلی ایدئولوژیک و استراتژیک، جناح چپ با سازمان اختلاف اساسی ندارد بشرط پدیدش مصوبات کنگره با رعایت اساسا سازمان رفقای جناح چپ در سازمان ادغام خواهند شد و جزئیات اجرای آنرا به مرکزیت سازمان محول نمود.

کنگره اساسا مه سازمان را نیز کسه مبتنی بر جهت گیری حزبی است تصویب رساند.

یکی از دست آوردهای مهم کنگره - تصویب یک قطعنا مه در زمینه مبارزه ایدئولوژیک علیه و شیوه انجام آن بود. کنگره ضمن تاکید بر این مسئله که جنبش کمونیستی ایران در بحران و پیرا کندهگی سر میبرد و در این زمینه دست یابی به یک ایدئولوژی بپولوتی و منسجم و یک تئوری انقلابی نخستین گام در راه حل این بحران محسوب میشود و این امر نیاز به یک مبارزه ایدئولوژیک علیه دارد. ضمن تصویب اختصا به یک ارگان با مرنا رزه ایدئولوژیک علیه حول مسائل مبهم جنبش، استراتژی و تاکتیک، انترناسیونالیسم بپولوتی و تفادهای چپا نی در جهت دست یابی به تئوری و

برنا مه انقلابی، هیئتی را انتخاب نمود که مرهادت مبارزه ایدئولوژیک علیه را عهده دار شوند. این هیئت موظف است که با سازمانها و گروههای دیگر نیز با توجه به خط مشی ایدئولوژیک و سیاسی شان (خط ۲) دعوت کند که در این مبارزه شرکت کنند و آنها نیز با نام فردی به همراه نام گروه یا سازمان خود در مبارزه ایدئولوژیک شرکت جویند.

یک قطعنا مه دیگر نیز از جانب برخی از رفقا ارائه شد که معتقد به حق گرایش در درون سازمان، حق بحث های شفاهی و کتبی و حق هیئت نویندگان بود. این قطعنا مه از سوی کنگره رد شد.

در زمینه ریشه یابی بحران در جنبش کمونیستی ایران و از جمله در سازمان ما مباحثاتی صورت گرفت و قطعنا مه ها شنی ارائه شد. اما از آنجا که هیچیک از این قطعنا مه ها نتوانست با آراء بتصویب برسد، بحث بیشتر حول آنها در یک مبارزه ایدئولوژیک صورت خواهد گرفت.

اکنون پس از بر شمردن رئوس کلی مصوبات کنگره مه سازمان، دست آوردهای کنگره و وظایف سنگینی را که بر عهده داشت روشن میگردد. واقعیت اینست که علیرغم نواقصی که این نخستین کنگره با خود داشته است و علیرغم اینکه بنا به شرایط خاص مبارزه با سازمانها و شیوه بحث ها، مفضل و همه جا نبه بر مسائلی مطرح شده نتوانست صورت گیرد، با این وجود بجزرات میتوان گفت که برگزاری این کنگره یک نقطه عطف در حیات سازمان محسوب میشود و دست آوردهای نسبی گرا تبهایی برای سازمان و جنبش کمونیستی ایران در برداشته است.

گزارشی از ...

بقیه از صفحه ۹

...، ایجاد حکومت شبه نظامی در شهرها هنگام شب، کنترل مداوم معابر عمومی و راههای اصلی ورود به شهر، بسیج جوانان و مزدوران در سطح شهر و بخصوص در بازار که محل تجمع و رفت و آمد توده ها است کنترل تمامی حرکات توده ها نشاندهنده جو خفانی است که رژیم مدتها پیش در این مناطق ایجاد کرده است. انفجار دفتر حزب جمهوری تا این تاریخ - علیرغم تاریخی وسیع توده ها از حاکمیت توده ها عملا بطور وسیعی به جنبش کشیده نشده بودند اما بتدریج به این نتیجه میرسیدند که با بد حرکت کرد و دستی از غیب آنها را نجات نخواهد داد پس از انفجار دفتر حزب علیرغم اینکه توده ها با خوشحالی از آن یاد میکردند اما این فکرها پدید آورده که کسان شجاع تر، دلیران و قهرمانان تر هستند که میتوانند حکومت را برانندازند. آنها فکر میکردند کافی است دوسه انفجار این چنین بوقوع پیوندد تا بساط حکومت برچیده شود. توده های گفتند: "یکی در جماران، یکی در مجلس، حکومت تمام است آنچه که قبل از این واقع در آنها شکل میگرفت مبنی بر اینکه خود باید خود نجات دهند، اینک خود را با این امید دلخوش کرده بودند که قهرمانان دیگری هستند که حکومت را برانندازند. آنها از هلاک شدن حکومتیان بخصوص بهشتی این منظور توده ها خوشحال بودند اما حالست تما شای را داشتند که در یک مسابقه

فوتبال فقط از گل زدن نیم مورد قبول خود شای میکنند اما خود در این بازی شرکت نداشتند و خود را سیم میدانستند. رژیم که پس از واقعه ۲۲ خرداد، دامنه اعدا میاراکتورش داده بود با این واقعه (۷ تیر) به این اعمال ددمتانه خویش مشروعیت بخشد اما اعدا مسعود سلطانی پور و سایر انقلابیون بعد از ۳۵ خرداد، موج نگرانی و نزار توده ها را برانگیخت. همه جا صحبت از این جانیتهای بود، انفجار نخست و زیری و کشته شدن رجائی و با هنر ضمن اینکه توده ها را بوجد آورد، تصور هر چه زود تر سرنگون شدن حکومت را در ذهن آنان قوت بخشید و قدرت مجاهدین را بیش از پیش قویتر برای توده ها متصور ساخت. آنها تصور میکردند که مجاهدین هر گاه بخوانند می توانند رژیم را برنگون کنند. اما سرنگونی را نه بدست خود بلکه بدست مجاهدین امکان پذیر می دانستند و این همان نکته ایست که با بد مورد توجه قرار گیرد. با یدیه توده ها آموخت که انقلاب کار توده ها ست و نیروی لایزال توده ها ست که می توانند همچنان که رژیم شاه را از آر بیکه قدرت بزرگتر رژیم جمهوری اسلامی را نیز بگورستان تاریخ سیارد. مسئله مهم دیگری که شایه برای توده های سازمان مطلق عینیتی ملموس ندارد لکن در این مناطق با تمام ابعاد و حشمتناک خود از واقعیات مسلم است مسئله جنبش میا شد. گرچه بحران اقتصادی، اجتماعی حاکم بر زندگی توده ها مسئله جنگ را تحت تاثیر خود قرار داده است، اثرات و حشمتناک جنگ، همواره بر زندگی توده ها سنگینی میکند. هر تلیکی که شنیده میشود، هر صدای

رگباری که بگوش برسد، هر غرش هواپیمایی که فضا را میسکافد، هر آژیر آمبولانسی که در هوا طنین می افکند... قلب توده ها را بلرزده میاورد. توده ها در اینکجا این جنگ چه وقت خاتمه میابد قیقه شماری می کنند، خاطر دویا رهای فروریخته خانه های بدون سقف، اما شیه متلاشی شده اجساد متعفن و... همواره در ذهن توده ها نقش می بندد. گرچه توده ها در عمل بسی برده اند که این جنگ، جنگی است و افعال ارتجاعی، اما وجود جنگ همواره یکی از مواضع اساسی در حرکت و اعتراض آنها بوده است. موفقیت اخیر ارتش در جبهه آبادان به این توهم توده ها بسیار دامن زد که تا پایان جنگ نباید دست به اعتراض زد. رژیم با استفاده از این موفقیت جو تبلیغی بسیار رشیدی را بوجود آورد تا از این طریق هر چه بیشتر انقلابیون را مورد حمله قرار دهد و آنان را وابسته به میریالیزم قلمدا کند. این تبلیغات حد اقل در این سطح که با ید گذشت هر چه زودتر جنگ پایان پذیرد تا تیسر نبوده است و یکی از دلایلی که رژیم از پایان پذیرفتن جنگ وحشت داردنیز همین مسئله میا شد. با توجه به کلیه مسائل مطرح شده در این نوشته، وظیفه دشواری بر دوش انقلابیون قرار دارد. با ید توده ها را به مافع طبقاتی شان آگاه ساخت و حول خواستهایشان سازماندهی کرد.



بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

اخبار مدارس

ایستاد

همراه طبع اطلاعات رسیده، در یکی از مدارس بهر، رفقا یهوا دارا علامیه های سازمان را دستنویس کرده و در مدرسه پخش میکنند یکی از علامیه ها بدست مدیر مدرسه میرسد و وی با این خیال باطل که میخواسته است ما هیت کفار رو خدا انقلاب را "رافشای" کندا علامیه را از پشت بلندگو برای دانش آموزان میخواند، دانش آموزان هم که شنیدند مظلما لب علامیه بودا نه تنگام خوانند شدن علامیه با دقت به آن گوش میدهند و در مدرسه سکوت کاملی حکمرا میشود. این سکوت با شکوه و یکپارچه دانش آموزان - مشت محکمی برده ان رژیم و عمل باوه - گویش مینا شد.

تبریز

آبانه - در یکی از دبیرستانهای تبریز دانش آموزان با بعلت ندا شتن حجاب اسلامی به کمیته میرند، در آنجا وقتی معلوم میشود ساکن تهران بوده است با گرفتاری سم و آدرس مدرسه اش در تهران را آنجا تماس می گیرند تا از موضع سیاسی مطلع شوند. این اقدام با شکوه و یکپارچه از اقدامات مذبحا نه و خفقان با رژیم است. رژیم با اقدامی این اعمال گورخیش را با دست خود خواهد کند.

مسجد سلیمان

پس از گذشت ۲ ماه از سال تحصیلی هنوز اکثر مدارس تعطیل است. آموزش و پرورش علت تعطیلی را سکونت جنگزدگان در مدارس اعلام نموده است. بدین ترتیب خاکمیت میکوشد با یک تیر دو نشان بزند از سونسی جانی را بزداید و جنگزدگان را شته با شو خود را طرفدار جنگزدگان بزند و از طرف دیگر مانع شکل دانش آموزان در مدارس گردد.

تهران

مدرسه سعید نفیسی - ۶۵/۸/۲۰ دانش - آموزش کلاس چهارم ریاضی این دبیرستان که بعلت منحل شدن مدرسه لیلاخان در آن - مدرسه به اینجا انتقال یافته اند تا به حال که نزدیک به امتحانات سه ماهه اول است دبیر ریاضی ندا شده اند، در رابطه با این مسئله دهها بار به ناچار رجوع کرده اند ولی موفق نشده اند. آخرین بار که به ناچار به می روند با جمعی از معلمین و دبیران بیکار در سالن ناحیه که منتظر گرفتن دست و رفتن به کلاس برای تدریس بودند مواجه شدند. این دبیران به دانش آموزان میگفتند: شما دنبال معلم و دبیر میگردید و ما دنبال دانش آموز، دانش آموزان همان روزیسه اطراف رئیس ناحیه آقای قیچی مراجعه میکنند و میگویند چگونه است که این همه دبیر در سالن حضور دارند و ما بدون دبیر هستیم. آقای فیض میگوید: اینها از نظر اخلاقی فاسدند، علاوه بر این مسئله، مسئله دیگری نیز هست که بر طبق طرح آموزش و پرورش - دبیر مرد به کلاسهای دخترانه نمی فرستند چون عفتا ندارد و ندکه ممکن است دبیر مرد جوان و مجرد با دشواری اخلاف در مدرسه پیدا شود. دانش آموزان وی رفت و آمدهایی که به دفتر مدرسه و طی اعتراضاتیکه به مدیر مدرسه نمودند، مدیران خود سلب مسئولیت نمودند و آقای فیض را مسئول معرفی مینماید و هنوز که هنوز است دبیری که بتواند دنیا سخو مسائل درسی چه ما شود به کلاس چهارم ریاضی این دبیرستان یافت نشده است.

تهران

دبیرستان زینب، هفته سوم آبان - در دبیرستان زینب جلسه اولیا و معلمین

مدرسه تشکیل میشود. قبلاً دانش آموزان را تهدید کرده بودند که اگر اولیا شان حاضر نشوند آنها را از اخراج خواهند کرد. خانواده ها شرکت میکنند. مسئول مدرسه میگوید: به سخنرانی یکی از معتمدین محل گوش کنید. آنجا یک آقا حدود ۲۴ لهری شود رباره - تعلیم و تربیت سخنرا نمیکنند. صحبتها وی کنجکاوی خانواده ها را برمی انگیزد و پس از تحقیق معلوم میشود که وی از اولیا دانش آموزان و معتمد محل ندوده، بلکه معتمد اولیا مدرسه مینا شد.

* آموزش و پرورش تهران - مدرسه ۱۷ - شهرپور در منطقه ۱۳ - در جلسه شورای دبیران دبیران به با زرسی بدنی از جا نبادا نشن. موزان حزب اللهی اعتراضا کرده و خواها ن این میشوند که این عمل توسط ناظمین یا مستخدمین بعمل آید. در همین جلسه - تبغیض بین اعضای نحصن اسلامی و سایرین اعتراض میشود. ناظم مدرسه میگوید: اگر حزب اللهیها کننا رنبا شیم فردا برایمان - هزاران حرف در میاورند و ما نندهنگارن سال گذشته مشمول آنها مات گوناگون - خواهیم شد، اگر به ما این اختیارات داده شود ما نیز اینگونه تبغیضها را قائل نخواهیم شد. معلمین در این جلسه به برخورد های هانت آ میزد دانش آموزان حزب اللهی اعتراض داشتند که مگر به دفاع از حزب اللهیها گفت برداشت شما از حزب اللهیها نا درست است. ما اینجا نیا مده ایم که حزب اللهیها را محکوم کنیم.

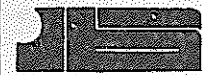
* آموزش و پرورش تهران - در منطقه ۱۴ یکی از معلمین انقلابی و موردتائید رژیم، سرکلاس از دانش آموزان خواسته بود رورسی ها را جلو بکشند. دانش آموزان اعتراض کرده و گفتند در کلاس غیرا زمانا و شما کس دیگری نیست و ضرورت ندا رورسی ها را جلو بکشیم. این معلم به دلیل اینتکه گفته بود "حرف شما درست ولی مجبوریم" از مدرسه اخراج میشود.

* آموزش و پرورش تهران - خاکمیت که میکوشد تا با توسل به نواع غیرتکیها جیره - خواران خویش را در ادارات و موسسات بکار بکارد. در ادارات و موسسات و ولتبی دلایل واهی را استفاده م فرادنا شناخته زوی -

بها دهها بنا صلاح "انقلابی" سربا میزنند. دوموردی که اخیرا دراستخدا مدبیران در تهران موجب مرود شدن متقاضی گردیده - است ذکر میشود:

۱- زن برادر متقاضی بی حجاب است
۲- این متقاضی که ظالم شغل دبیری است چگونه مسلمان است که مسجد محل و رانسی شنا سندن؟
* آموزش و پرورش تهران - ۲۸/آبانهما طبق یک بخشنامه تمام معلمین و مدیران و معاونین منطقه ۷ آموزش و پرورش در ساعت ۴ بعد از ظهر در اداره جمع شوند. حدود یک ساعت حضور و غیاب آنان طول کشید. رئیس اداره شروع به صحبت میکنند. حاضرین که وی را قبول ندا شدند به سخنان وی توجه نکردند و سپس دسته دسته شروع به خارج شدن مینماید. رئیس مکتبی فریاد میزند برادر! در را ببندید و نگذارید خواهان خارج شوند (معلمین زن خیلی بیشتر بودند) جلسه به هم میخورد. رئیس خواهش میکند دقیقه به دقیقه بفرستید بدهند تا حرفهایش را بزند، معلمین به همه هم و شلیک خندها بقصد بیرون رفتن مینماید. رئیس نا لایق از کوره دررفته میگوید "گرا این چند دقیقه را ساکت نباشید و به حرفهای من گوش ندهید، بعدا" به مدرسه شما آمده و هر چه اینجا گفته ام شما سؤال نخواهید کرد. این جمله باعث میشود که معلمین او را هونکنند. با لایق رئیس پشت بلندگو فریاد میزند برادر در را با زکن بگذارید و بروند و با این ترتیب جلسه پایان میپذیرد. چند روز بعد نیز اولیا - دانش آموزان در مقابل ادارات این رئیس ادارات مکتبی و نا لایق را کتک زده بودند.

* آموزش و پرورش - اخیرا "بخشنا ماهی به مدارس ابلاغ شده و از مسئولین خواهسته اند



هر چه سریعتر نسبت به آن عمل نمایند. متن بخشنامه به شرح زیر است: "خواهشمند است - خیلی فوری صلاحیت اخلاقی، دینی و کاری معتقد بودن به جمهوری اسلامی نظا قتی ما را تا آخر وقت اداری روز شنبه ۶۵/۸/۱۸ به کارپرداز ارسال دارید.

مسئله ای که در این رابطه مطرح میشود اینست که صلاحیت اخلاقی و دینی از نظر مسئولین چیست؟ وجه کسائی آنها تا قیامی نمایند؟

این بخشنامه در شرایطی صادر میشود که گران و بیگاری کمیاب بی پیدا میکنند و زحمتکشان و تهیدستان بیش از دیگران - زیرا این فشار کمتر خورده اند. در چنین شرایطی بلاغ چنین بخشنامه ای چیزی نیست جز تهدید این زحمتکشان به اخراج و چیزی نیست جز سکوب هرگونه مخالفتی با رژیم - افشای اینگونه بخشنامه ها وظیفه همیشگی نیروهای انقلابی است.

* آبانهما - دبیرستان وحدت - دانش آموزان این دبیرستان بعنوان اعتراض به اقدام یک مجاهد که قبلاً دانش آموزان - مدرسه بوده است تصمیم میگیرند که رورسی - مشکی سرشان بکنند. روزی که فرا ر بوده این تصمیم عملی شود با سارا در مدرسه - ایستاده بودند تا کسائی که رورسی مشکی به سر داشتند دستگیر کنند. علیرغم این اقدام - تعداد زیادی از دانش آموزان رورسی مشکی سرشان کرده بودند.

بقیه در صفحه ۱۳

اخبار

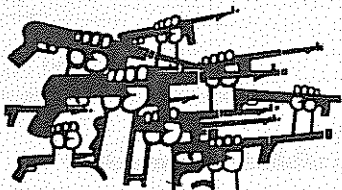
تهران - ۹/۱۰ -

جندی پیش توسط ما مورین شهرداری تهران به دهکده ران اعلام شده که بساط - ها پیش را جمع کنند. و در این روز رژیم اقدام به جمع آوری بساطهای میندان انقلاب تا مصدق نمود و اساس آنها را توسط پاسداران دریک ماشین ارتشی ریختند. این حرکت پاسداران باعث اعتراض مردم شد. دهکده ران می گفتند چکار میکنیم. آیا دزدی میکنیم. پاسداران میگفتند به ما مربوط نیست. بروید به ده یا شهرستان خودتان. مجبور نیستید در تهران بمانید. دهکده ران میگفتند: "هر کجا برویم آسمان همین رنگ است"

* آبانهما - اخیرا "درکلانته سوری زندان جدیدی ساخته اند که نسبت به زندان قبلی بزرگتر است. در این کلانتری از طرف کمیته - مرکزها کم شروع فرستاده اند که خود می توانستند دستگیرشدگان را محکوم و اعدام نماید.

این کلانتری و کمیته مربوط به آن - وظیفه اش رسیدگی به قاچاق و مواد مخدر بوده است ولی از ۳۰ خرداد به بعد تقسیم کار شده به این شکل که کلانتری به قاچاق و مواد مخدر میپردازد و کمیته که قبلاً مسئول اینکار بوده کار دستگیری -

انقلابیون را بعهده گرفته است.



در حاشیه مصاحبه‌های دادستان

بقیه از صفحه ۱

موسوی تبریزی مصاحبه روز دوشنبه خود را با این جملات آغاز کرد: من عقیده دارم ایستادگی در محبت خاصی به برادران پاسدار، کمیته‌ها، با زوج‌ها، دادستان‌ها، کارمندان اداری و غیره؛ در آمووش لازم داده شود. نحوه دستگیری و جمع آوری دلایل و مدارک و یا زوجی و غیره برای آنها گفته شود که اگر همه این مسائل رعایت شود قضاوت اسلامی است و مسأله میتوانیم در دنیا بگوئیم بهترین دادگاه را داریم. در اینجا موسوی تبریزی، این در خیمه‌ها را با اصطلاح انقلاب - می‌خواهد بگوید که "خلافکارها و بی‌رویه" می‌در دادگاهها بوده است و اگر فردی بدون وجود دلایل و مدارک محکوم شده این تقصیری نداد و خلاصه اینکه موسوی تمام کارها و کوردها را بر سر این با آن ما مور شکسته و خود را تیر و سر دستگا به اصطلاح قضا فی جمهوری اسلامی هم آب تطهیر می‌برد. در آنجا که بنظر میرسد این دادستان فراموش کرده یا خود را به فراموشی زده است که ما را همین او بود که در مقابل خبرنگاران داخلی و خارجی و میلمونتها بیننده تلویزیون اظهار داشت که "ما برای اشخاص محاربان احتیاجی به تشکیل دادگاه نداریم و میتوانیم آنها را در دم اعدام کنیم و تیم کشاها (زخمی‌های آنها را هم تمام کش کنیم و با کمال قساوت و سنگدلی جنین هم کردید و میکندند و پیر - صح است وقتی دادستان بیدادگانه‌ها با اصطلاح انقلاب جنین فتوا و "آموزش" دهد تا وقت چه نوعی میتوان از پاسدارها کمیته‌ها، با زوج‌ها و دادستانها و ... داشت؟! و حال آنکه از دادن "آموزش‌های لازم" سخن می‌گوید مناسبت که اگر این "آموزشها" از نوع همان فتواها باشد

البته و صد البته کسی نخواهد بود کسی دادگاه‌های شرع آنها "بهترین دادگاه در دنیا" خواهد شد!

در این مصاحبه موسوی تبریزی در زمینه رفتار با زندانیان از "ارشاد" زندانیان سخن می‌گوید و در این رابطه از در اختیار گذاشتن "معادل یک میلیون تومان کتاب" هم چنین روزنامه - تلویزیون عدا ر بسته آموزشی و حتی ویدئو در داخل بندها و سلولهای زندان داد سخن میدهد و همه اینها را به حساب تا عین مسائل رفاهی زندانیان می‌گذارد در حالی که اگر همه ادعاهای موسوی - تبریزی درست باشد، تمام این - "اقدامات" تبلیغاتی یک جانبه حکومتی و هدفش شستوشوی مغزی زندانیان و در حقیقت نوعی شکنجه روحی است. مسأله موسوی ستوال میکنند مگر در زندانهای شاه را از جلدگنایان ما موریت من برای وطنم"، "انقلاب سفید" و سایر کتب انتخابی را می‌خوانند این اراجیف کسه تحت عنوان "ارشاد" بکار برده میشد "ایجاد و مسائل رفاهی برای زندانی بود؟! و - مگر تنها همینکار را عینا "تکرار نمی‌کنید؟! مگر در زمان شاه جنایتکار در تمام بندهای زندان را دیو و تلویزیون وجود نداشت که در آنجا "گوش و جسم و اعصاب زندانیان را تحت بمباران تبلیغاتی رژیم قرار میداد و مگر اکنون - بنا به عتراف خود شما - این تلویزیون‌ها با برنا معاص برای زندانیان ... جز این وظیفه‌ای دارند که با تبلیغات مستمر کننده جمهوری اسلامی و ولایت فقهی بر اعصاب زندانیان سوهان بکشند؟! اما آنچه موسوی تبریزی هیچگاه بیان اشاره نمی‌کنند چنانچه است که در زندانها به موازات این "اقدامات" - که خود جنایتی است - هر روز انجام می‌گیرد: اعمال شکنجه‌های قرون وسطایی زندانیان

ندان ملاقات، انجام اعدا مهلهای مصنوعی شرکت اجباری زندانیان در مراسم اعدا مهلهای در سخنگو ها و اجبار آنان به تاخیر اعدا مهلهای فرستادن ملوات و حتی وادار کردن زندانیان به زدن شلاق به همزنجیران خود و یا زدن تیر خلاص و یا کشتن زندانی دیگر که در موارد اخیر چنین اعمالی حتی در رژیم شاه هم سابقه نداشته است!

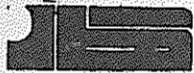
موسوی تبریزی از شرکت زندانیان در نماز جماعت و شرکت در مراسم عزاداری و رفتن به بهشت زهرا که رژیم بر پا میکند حرف می‌زند و اینرا دلیلی بر موفقیت "سیاست ارشاد" رژیم در مورد زندانیان بحساب می‌آورد در حالی که غافل از آنست که مردم فراموش نکردند که رژیم شاه هم با برپا کردن "جشنهای زورکی" در زندان و اجبار زندانیان به شرکت در آنها اعدا میگردد که زندانیان "ارشاد" شده است! اما موسوی تبریزی نمی‌گویند که آنها یک پله هم از رژیم شاه جلوتر رفته و استا دتر شده اند و به آنها ناینگه در روز عا شورا خانوادها میتوانند در زندان نشان را ببینند آنها را به اوین کشانده اند و بسا این ترفند را آنها هم میتوانن سیاه هنی لشکر در "شوی تلویزیونی" استفاده کرده - اند! آری موسوی تبریزی از شرکت "وسیع" زندانیان "ارشاد شده" در این مراسم سخن می‌راند ولی نمی‌گوید که در مقابل تهدید به مرگ زندانیان است که آنان به چنین مراسمی کشیده میشوند موسوی تبریزی با کمال وقاحت در پشت دیوارهای بلند و درهای بسته زندانهای مخوف ایران که دست کمی از سیا هجالیهای قرون وسطی ندارد دم از زندگی "خوش و خرم" زندانیان که در حقیقت با مرگ دست و پینه نرم می‌کنند می‌زند ولی وقتی پای اشبات اعدا هایش می‌نماید می‌آید زبانش به لکنت می‌افتد، او که وضع زندانها را - برای خبرنگاران هم تا ندیده است برین توصیف میکند وقتی خبرنگاری می‌پرسد: "آیا اجازت داده میشود که خبرنگاران - خارجی از زندانیان زندان اوین باز دید کنند" پاسخ میدهد: "این مسئله با زدید، مسئله قانونی نیست و بستگی به دادستان کل دارد. و اینجاست که دم خروس بیرون می‌افتد و معلوم میشود چقدر دادستان کل انقلاب! که اینک ما سک گریه زاده و عا بدی را به چهره زده است راست می‌گوید و در گفتارش صادق است!؟

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ب	ج	د	هـ
۱۶۰۰	۲۰۵۵۵	۱۱۲۵	۵۶۵	۲۸۶۶
۱۹۹۹	۵۰۰۱	۵۰۱	۱۱۱۱	۲۴۲۱
۵۰۰۵	۲۰۲۵	۲۲۲۵	۵۵۵۵	۲۲۲۵
۵۰۲۳	۵۰۲۳	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۱۲۰
۱۰۰۲۳	۳۳۳۳	۲۵۵۵	۲۵۵۵	۲۵۵۵
۵۱۲۵	۱۵۲۰	۱۴۱۳	۵۰۵۵	۱۴۱۳
۵۱۱۱	۱۵۱۹	۴۰۰۹	۵۱۰۰	۵۰۵۵
۱۵۱۹	۳۴۳۷	۵۳۳۹	۲۱۲۱	۱۵۴۲
۱۵۱۹	۳۴۳۷	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱

اسکندر	نشریه	محمود با نائی
۳۰۰۰	۱۳۰۰	۶۳۰۰
۴۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰
۲۰۰۰	۲۸۷۰ - م	۲۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰	۲۵۰۰	۷۵۰۰
۱۰۰۰	۱۲۰۰	۵۰۰۰
۱۰۰۰	۲۵۲۲	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰	۱۱۲۷	۱۲۰۰
۱۰۰۰	۱۷۰۰۰	۵۰۰۰
۱۰۰۰	۵۱۰	۵۰۰۰
۱۰۰۰	۳۰۳	۵۰۰۰

استقلال - کار - مسکن - آزادی



بازهم دربارهٔ مسأله ارضی و هیئت حاکمه

در سال گذشته بنا بدستور خمینی، اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی متوقف شد، دستور توقف اجرای اصلاحات ارضی در زمانی صورت گرفت که جنبش ارتجاعی ایران و عراق افکار عمومی را به خود معطوف داشته بود، و حکومت به بهانه شرایط جنگی، این توقف را توجیه کرده و موقتی بودن آنرا خاطر نشان می‌نماید. طی این مدت، سران حکومت با سخنان - کجدا رومریز خود، سعی کردند زمینه‌های لازم را برای دائمی کردن توقف اجرای بند "ج" و "د" فراهم آورند. در عین حال، آنجا که هنوز شرایط برای اعلام نیت نهایی رژیم در مورد مسئله ارضی و دهقانی کاملاً فراهم نبود، دولت‌مردان عوام‌فریبانه با استکاء به شرایط جنگی، حل مسئله را به اتمام جنگ و در واقع به آینده‌ای نامعلوم موکل کردند.

البته برای توده‌های آگاه و بویژه - دهقانیانی که خود مستقیماً با سیاستهای ضد خلقی رژیم مواجه بوده‌اند، نتوانستند حکومت در حل مسئله ارضی از همان ابتدا روشن بود. رژیم، هیچگاه در مقام به سیاستهای واقعی و دهقانیان و سرکوب جنبش - های انقلابی آنان تردیدی بخود راه نداده و این امر برای توده‌های دهقانی مبارکان کاملاً قابل لمس است. اما عجز حکومت از اجرای قانون دست و پا شکسته و فرامیستی شورای انقلاب که تحت فشار شدید جنبش‌های دهقانی و برای به انحراف کشاندن مبارزات آنان تصویب شده بود، بر همه کس آشکار نبود. به همین دلیل، برای آنجا که حکومت هنوز بمقدار زیادی بر نیروی توده‌های متوهم‌گناه داشت، اولیاً مورد منظور پوشاندن این عجز و مخفی ساختن نیت نهایی خود، به بندبازی پرداخته و با سخنان مبهم و ضد واقعیت خود، از برخورد صریح به مسائل دهقانی طفره رفته و موضوع را به آینده موکل می‌کردند. طی این مدت، ارگانهای مختلف حکومتی، هر یک، مسئولیت شروع و اجرای قانون اصلاحات ارضی را بطور ضمنی به یکدیگر محاله می‌دادند، برای اینکه، از یکسو مستقیماً "در مقابل توهم توده‌ها نسبت به توانایی‌های خود قرار نگرفته و با دفع الوقت کردن موضوع را از سر بگیرانند و از سوی دیگر مستقیماً در مقابل بزرگان مالکان و روحانیت حاکم آنها (کلیانیکانی، مرعنی، ...) که بدون پرده پوشی و مصلحت‌اندیشی‌های دولت‌مردان نیت اصلی خود را پوشیده نمی‌داشتند، قرار نگیرند، اما این بازی نیز نیمی‌توانست مدت زیادی ادامه یابد. و آنجا که بظاهر این خمینی بود که آخرین تصمیم در مورد اصلاحات ارضی - یعنی توقف بندج و دال - را گرفته بود، هم و نیز بود که می‌بایست مسئولیت تصمیم‌گیری در این باره را رسماً روشن کند. و با لاف‌ها، خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس اختیار تصمیم‌گیری را به مجلس واگذار نمود.

خمینی با این عمل، ضمن اینکه همانند بسیاری از موار گذشته، مسئله را از سر باز می‌کند و مکان فریبکاری‌های همیشگی را برای خود محفوظ می‌دارد، در عین حال با تاکید بر محدود بودن، موقتی بودن و اما و اگرهای شرعی دیگر در این مورد، و بطور ضمنی اطمینان‌های لازم را، به زمینداران بزرگ "محترم" و آیات عظام خمینی بر عدم تخطی از قوانین اولیه اسلام که در آن احترام به مالکیت لازم‌الرعایه است می‌دهد. رفسنجانی نیز در همین زمینه اظهار داشت که ما به مجلس اجازه دادیم که برای برطرف کردن مقصده کلی بطور

موقت و محدود تصمیماتی گرفته شود که این تصمیمات پس از رفع شدن عناوین ثانویه (مثلاً پس از رفع شدن فشار دهقانان که از نظر رژیم یک مقصده کلی است) خود بخود لغو شود" رفسنجانی با بیان این موضوع که در گذشته از طرف مجریان تقسیم ارضی افراط کاری‌های بعمل آمده است، - متذکر شده که "ما از این وضع خیلی نگران بودیم و نا راحت بودیم که به نام قانون تجار و زها می‌شده و می‌شود... اگر چنانچه مجریان از حدود معین شده تجاوز کنند باید تعزیر بشوند و جلوی اینگونه تجاوزها باید شدت گرفته شود" (کیهان ۶۰/۷/۲۰) البته منظور ما از اینگونه تجاوزها، تقسیم ارضی پارهای از مالکان بوسیله معدودی از هیئات‌های ۷ نفره است که خوشبختانه قانون اصلاحات ارضی شورای انقلاب را جدی گرفته بودند. و حال لابد اینگونه "مجریان افراط کار" که فقط در جهت تحقق قانون آجکی و فرامیستی شورای انقلاب بوده‌اند، باید برای جلب اطمینان - زمینداران "تعقیب قانونی و تعزیر شرعی شوند!"

بدنبال نامه خمینی، سران حکومت در انتقاد از تندرویها و افراط کاریهای گذشته‌گویی سبقت از یکدیگر برده و در جهت جلب اطمینان زمینداران به مسأله پرداخته و در تعزیر و تفسیرهای که از قانون اصلاحات ارضی بعمل آوردند، - اصولاً منگرو دیند "ج" و "د" شدند. اگر چه این واقعیتی است که در قانون واگذاری زمین مصوب شورای انقلاب، با وجود تسمیه - های متعدد در بند "ج" و "د"، این دو بند حتی در همان حد خود را زکارتی نمی‌میشد، اما اعتراف بی پرده کلیه سران - قوم مبنی بر اینکه منظور از قانون فوق فقط واگذاری ارضی موات بوده است، تاکنون با این صراحت مطرح نشده بود. بعنوان مثال آیت اله صدوقی در این باره اظهار داشت: "از جمله چیزهایی که قابل انفعال است، ارضی موات است مال خدا هست و بیغیبر... باید ارضی که مال خدا و پیغمبر است باذن فقیه‌ها مع الشرايط و حکومت اسلامی بین یک مشت مردمان بینوای مستضعف تقسیم شود" (اطلاعات ۶۰/۸/۱۴) چه گرامتی، چه سبذ و بخشش! آنچه که صدوقی بیان داشته، طرز فکر مسلط بر هیئت حاکمه است، از همین دیدگاه است که بجز زمین موات که قابل "انفعال" است، مالکیت بقیه ارضی، اعم از با برود ابر، حق طبیعی و شرعی محسوب می‌شود، که "باذن فقیه‌ها مع الشرايط" هم قابل "انفعال" نمی‌باشد.

در این باره، دولت‌مردان مزوری که هیچگاه نخواسته‌اند حرف خود را صریح و واضح بیان دارند، در شرایط فعلی که رژیم سال قانون را بنام سال جلوگیری از تجاوزها و معادله‌ها "اعلام کرده و در جهت دلگرم کردن و تشویق سرما به داران و زمینداران از هیچ کوششی در پی نهمی‌ورزد، بطرز بارگارانهای نیت خود را در جهت حفظ منافع زمینداران بزرگ برملا می‌نماید. ببینید موسوی اردبیلی، پس از اعلام اجازه نامه خمینی به مجلس مسئله را چگونه سفسطه‌گرانه بیان می‌دارد "البته مسئله مالکیت مسئله ریشه‌داری است و با پدرویش بمقدار عمیق‌تر بحث کرد، یعنی ما بنیایم و بگوئیم عناوین ثانوی تقاضا کنند لغای مالکیت بکلی بکنیم، مشکل است، بحث پیچیده‌ایست در مورد محدودیتش هم از هم کلی و غیر کلی، موقت و غیر موقت و شخصی و کلی فرق میکند

(کیهان ۶۰/۷/۲۰) البته سخنان موسوی اردبیلی پیچیده و سفسطه آمیز است، لیکن منظور او آنهایی که با دید بهمتند و دلگرم بشوند (مالکان، کلیانیکانی، - مرعی و...) بخوبی درک می‌کنند و با این زبان آشنا هستند.

بهر حال، تحت این شرایط، لایحه - اصلاحات ارضی که در شهر یورما به هیئت دولت جهت تصویب و ارائه نهای به مجلس داده شد، همچنان در بایگانی هیئت دولت راکد مانده است. این لایحه همان قانون اصلاحات ارضی شورای انقلاب است - با مقداری تعدیل در جهت پرداخت حق نسق به مالکان که به قول وزیر کشاورزی گویا این تغییرات نیز حذف شده، در عوض طرحی در این زمینه با امضاء ۱۶ تن از نمایندگان جهت تصویب به مجلس ارائه شد. در طرح ارائه شده صرفنظر از الفاظ و عبارات - انقلابی و شعارگونه که در بخش‌هایی از آن به چشم می‌خورد، ابتدا "مسئله محدودیت مالکیت و تقسیم زمین مطرح نیست. نام طرح نیز که عبارتست از "طرح قانون رسیدگی به مالکیت زمینهای زراعی و احیا و واگذاری ارضی بر همین اساس انتخاب شده است. چنانچه زمام طرح بر می‌آید، وظیفه آن رسیدگی به مالکیت است و نه چیز دیگری، توکلی، یکی از نمایندگان امضاءکننده طرح فوق، خود به صراحت هدف از ارائه طرح را "بازگرداندن احترام مالکیت و تعقیب این امر که - اساساً بیش از همه بر عرف محل زمین داشتن خلاف اسلام، نمی‌باشد، عنوان کرد و می‌گفت اگر غیر از این باشد باید "طبعاً" با بزار عا و آزاره که از مسلمات فقه شیعه است تعطیل شدنی و فساد رزش گردد که این مغایر با اسلام است (اطلاعات ۶۰/۸/۱۴).

بنا بر این، آنچه که در طرح مطرح است به رسمیت شناختن مالکیت نامحدود و ارضی مزروعی است و در خوشبینانه ترین حالت، هدف طرح حد اکثری توان بررسی شرعی بودن یا نبودن (!؟) مالکیت باشد که به هر حال دخلی به مسئله اصلاحات ندارد. آشور که نمایندگان مجلس می‌پزند چنان شوری است که حتی قاضی هرنیدی دبیرستان مرکزی و آگاه از زمین ضامن ادعا به این امر که طرح مزبور نیمی‌تواند دهقانان را صاحب زمین کند، مقصود طرح را هم که پیاپی کردن بخشی از اصل ۴۹ قانون اساسی (بررسی شرعی بودن مالکیت) است، نا شنایی و غیر ممکن از زبان کرد.

در حقیقت آنچه که طرح نمایندگان - دنبال میکند، نه واگذاری زمین و نه حتی چنانچه ادعا شده رسیدگی به مالکیت زمین می‌باشد بلکه طرح مزبور موارات جهت - گیری‌های آشکاری که اخیراً "هیئات حاکمه در اطمینان دهی به بخش خصوصی در پیش گرفته، قرار دارد. هدف این طرح - دلگرم کردن و رفع هرگونه نگرانی از زمینداران بزرگ است و همچنین تعیین تکلیف رسمی با قانون و واگذاری زمین مصوب شورای انقلاب است. که بهر حال به علت ابهاماتی که در بندهای آن و بویژه دو بند "ج" و "د" وجود داشته، سبب افراط - کاریهای "از جانب معدودی از مجریان و آگاهی زمین شده که "روح" قانون راکه همانا تقسیم ارضی موات بود، درک نکرده بودند.

عدم درک "روح" قوانین و واگذاری زمین تنها به معنای ارضیات‌های ۷ نفره محدود نمی‌شد، بلکه - در آن مقطع - بعلت توهم توده‌ها به حاکمیت شعاعی عوام - افرینانه و مصلحت‌گرایانه حکومت را بسیاری بقیه در صفحه ۱۵

زندانیان اوین - رژیم جمهوری اسلامی که به عبث برای این باور است که با بند کشیدن فرزندان قهرمان خلق درسیا هچا لهای تنگ و تنمور آریا مهری قا درخوا هشدشعله انقلاب را که هر روز سوزا نتر شده و میرود تا کل حاکمیت را به خاکستر تبدیل سازد - خاموش نماید ، علاوه بر ورزشگا هها ، هتلها و اصطبلها ئی که تبدیل به زندان کسره است هر روز به یاد اشتگا هها جهت زندانی کردن بهترین فرزندان خلق می قزاید طبق اطلاعات رسیده از زندان اوین اخیرا " ۸ دستگا ه از آریا رتما نهای اوین را که قبلا " متعلق به سا و اکیها بوده است بصورت بازدا اشتگا ه درآ ورده است .

زندانیان قزلحصار - ۸/۱۶ - خانواده های زندانیان در مقابل زندانیان ملاقات متخص می شوند . یک آخوند با سه چهار یا سدا ربرای جمعیت صحبت می کند و وقتی می بیند صحبت بی نتیجه است فرستادن آتش می دهد ولی یا سدا ران ظا هرا " تصرد می کنند ، آخوندا جبارا " صحنه را تترک و تخصص ادا مه پیدا می کند .

قزلحصار - ۶۰/۹/۷ - با زهم روز جمعه برای سومین بار به سا و اکی ها و سا یروا بستگان به رژیم سابق ملاقات دادند و کلیه تسهیلات برای آنان و خانواده ها یشان فراهم است کلیه ملاقات ها حضوری است و آنان در مدت ۲۰ دقیقه آئی با نیم ساعت ملاقات خود هر چه بخوا هندا ملاقات کنندگان ردوبدل می کنند . خانواده ها هم مرتب به یا سدا ران سفارشات مخصوص می کنند و آنان نیز نوکتر - ما با نه چشم ، چشم میگویند .

تهنجران - آریا نماه - یکی از دانشجویان خارج از کشور که حدود ۴ ماه قبل به ایران آمده بود ، یکصد یا سدا ران به درخانه وی در تهران پارسی آمده و را به اسم کوچک صدا میزنند و خود را معرفی می کنند و آنها حکم طلب ا و راه وی نشان میدهند ، در این هنگام ا و ا قدا مه فرار می کنند (معلوم نیست به چه علت) یا سدا ران ا و را از پشت زده و تیر خلاص را هم به او - میزنند . پس از یکی دو روز بیگیری معلوم میشود ا و را اشتبا ها " کشته اند . یا سدا ر مذکور به درخانه آمده و طلب بخشش می کنند و ۲۰۰ هزار تومان هم خون بهاء با خودش می آورد . این قضیه سنگس زیادی در تهران پارسی داشته و مردم مرتبا " از آن صحبت می کنند .

ارومیه - ۸/۲۴ - در تواجی غربی ارومیه شهرک فرهنگیان واقع شده تمام زحمتکشان این منطقه از روستا های اطراف اندکه در نتیجه فقر و بی خانمانی به این منطقه پنا هنده شده و با هزاران مصیبت و بدبختی خانه های بسیار محقری از بلوک ساخته اندوزن و فرزندان خود را در آن جای داده اند . این شهرک فاقد آب و برق است ، زحمتکشان این منطقه برای گرفتن آب لوله کشی بارها به استانداری و شهرداری مراجعه کرده اند ولی هر بار از آنها جواب رد شنیده اند . آخرین بار ، پس از جرو بحث ، استانداری پاسخ میدهد " برای شما آب نیست . شما ضد انقلابی هستید " زحمتکشان در مقابل یا هوسا ئی - های استانداری جواب میدهند " آری ، ما به حکم فرمان هما یونی رعیت خوش نشین لقب گرفتیم ، و به حکم دولت به اصطلاح مستضعفان ، ضد انقلابی هستیم ، در روزهای قیام شما به ما وعده آب مجانی و برق مجانی و نفت مجانی میدادید ولی الان - ما را ضد انقلابی میخوا نید ، کارگرا ن

وزحمتکشان این ناحیه تصمیم گرفته اند که اگر در عرض چند روز به آنها آب ندهند ، تمام زنهارا با لباسهای کشیف و بیچه ها جمع نموده به همراه خودشان . به استانداری ببرند و از استانداری بخوا هند تکلیفشان را روشن کنند وگرنه همان جا تحصن کنند .

کرج - آریا نماه : یا سدا ران و بسیجی ها به بهانه تفتیش ا تو سیلها درجا ده های که به چند ده طرف شهریا ر کرج منتهی میشود به آنها دستبرد میزنند یک سرباز سدا ده که عضو بسیج بوده خودش در چند شب یا سدا ری میداده است متوجه این موضوع شده از بسیج استعفا می دهد و موضوع را به تمامی اهالی میگوید ، بسیجی ها که آریویشان رفته بودند در یک نیمه شب به خانه او آمده و میگویند " ما اگر بخوا هیم میتوا نیم تورا خیلی سریع بکشیم ، ما حالانی کشیم اگر یکبار ردیگر مسائلی را که در بسیج اتفاق می افتد جای دیگری گفتی تورا خوا هیم کشت " او این مسئله را به مادرش و صا درش به اهالی میگوید ، فعلا " هنوز مسئله ای پیش نیا مده است .

۶۰/۸/۱۹ : موضوع : پرتاب گلوله های توپ دوربرد عراق به طرف خانه های مسکونی شهر

امروز ساعت ۱۰/۵ صبح رژیم مزدور - بعث عراق قیچا زگلوله توپ به طرف شهر پرتاب کرد که موجب خسارات مالی و جانی شد ، یکی از گلوله ها درست کنار یکی مینی بوس آبی رنگ که ۲۱ تن مسافرا شت خورده بود ، مینی بوس مذکور که از اندیمشک به طرف اهوا زدر حرکت بوده مورد اصابت ترکش قرار گرفته بود . تمام می مسافرین سوخته بودند بطوری که فقط مقداری استخوان و پوست سیاه شده در کف ماشین دیده میشد . وقتی که به محل حادثه رسیدیم ، دو مسرد میانسال با حلی آبی بظرف ماشین - ریختند و صدای آریو آریو میانسال بلند شد ، دو نفر از میونس که پنا ده شدند ، یکی از آنها گفت کسی نیست ببریم ، اینا که چند تا استخون سیاه شده هستند ، مردمی که در آنجا جمع شده بودند در حالی که گریه میکردند فحش نشا رخصینی و صدام میکردند

برای مقابله با سیاستهای ضد کارگری رژیم

کمیته های مخفی چاپخانه ها را

بوجود آورید

دوستان کارگر :

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امروز در جنگال بحران ، دیوانه وار هر صدای حق طلبانه ای را با گلوله و اعدام پاسخ میگوید و کارگران و روشنفکران انقلابی را در جهت منافع سرمایه داران به مسلخ میفرستد . کارگران مبارز شهر صنعتی البرز را که در کسب خواسته هایشان با خواسته بودند به گلوله می بندد ، نمایندگان کارگران شرکت واحد ، صنعت نفت ، صنایع دفاع ، کش ملی ... و ده ها و صدها مجتمع کارگری را در غیاب کارگران و خانواده هایشان می ربایند و به زندان و اعدام محکوم می نمایند .

کارگران مبارز صنف چاپ :

در شرایطی که گرانی ، تورم ، بیکاری ، مشکل مسکن و هزاران کمبود دیگر کمران را خم نموده ، بسیاری از کارگران چاپخانه های بزرگ و کوچک مانند خواندنیها ، درخشان ، مسعود سعد ، پرچم ، آریا ، زندگی ... و تا به حال اخراج و کارگران ده ها چاپخانه دیگر در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند و قوانین ضد کارگری چون ماده ۳۳ در دست سرمایه داران همچون مسلسل با سدا ران عمل می نماید و بدون مجوز و با تأیید شرعی امام خمینی هر زمان که متاعشان از جانب کارگران مبارز بخطر افتد دست به اخراج می زنند . اکثریتی ها و توده ایهای خائن در پشت رهبری امام هنگام با سیاستهای ضد کارگری رژیم سینه چاک می دهند و به خوش رقصی مشغولند .

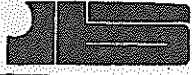
وزارت کار (قریبان) سندیکاهای را منحل اعلام می کند و حق عضویت های ما را از دوره پیش به امانت در دست شکوهی ما این کاسه لیسان خود به ودیعه برای ایجاد انجمن های اسلامی فرمایشی می سپارد تا با کمک برگزیدگان مکتبی خود چون زمانی و اصغر خیرم به تحقیق و سرکوب کارگران صنف پردازد ، تشکیل صندوق بیکاری و کمیته های مخفی چاپخانه ها هر چه بیشتر ضرورت می یابند .

عرک بر رژیم جمهوری اسلامی ، زنده یاد شوراه و سندیکاهای انقلابی کارگران و زحمتکشان
پیش به سوی تشکیل کمیته های مخفی چاپخانه

کارگران پیشرو صنف چاپ

۱۳۶۰/۹/۲۱

کارگران عزیز این اطلاعیه از زیرسویزهای رژیم خونخوار خمینی بدست شما میرسد به هر وسیله ای که می توانید آنرا تکثیر و بدست دیگر کارگران برسانید .



**رقم اعدای انقلابیون که توسط رژیم
جایتکار اعلام شده، ظرف ۵ ماه گذشته
از مرز دو هزار گذشت**

با اضافه شدن اعدای ماه آبان، اعدای انقلابیون به بیش از دو هزار نفر رسید. البته همانطوریکه ما پیوسته متذکر شده ایم اینها ارقامی است که رژیم جایتکار جمهوری اسلامی منتشر کرده و پرواضح است که اعدای مخفیانه و گشتا رژیم گنجینه را در برنمیگردد. ماه مهر رژیم از جهت قساوت و جنایت با ۷۰۰ اعدای دریکماه، رکوردی بی نظیر در جهان بجای گذاشت و همزمان با این اوج جنایت، اعتراضات جهانی هم اوج تازه ای یافت. از این روز رژیم سفاک جمهوری اسلامی بیک عقب نشینی موقتی در رابطه با اعلام اعدای دست زد بطوریکه می بینیم اعدای ۲۰۰ نفر رسیده است. در مقابل خبرهای رسیده حاکی از اعدای مخفیانه و در عین حال شدت کشتار مردم و مبارزان در کوجه و خیابانها بود است. اما قابل توجه است که مجدداً "در آذرماه موج اعدای قوس صعودی را طی کرده بطوریکه در هفته اول آذر به تنهایی حدود ۱۵۰ نفر از مبارزان و انقلابیون به جوخه های اعدا مسپرده شده اند. و اینبار رژیم که در اثر اعتراضات افکار عمومی جهان بموضع تدافعی رفته بود با برتا مریزی بمبارانها در راه آهن تهران و سپس در جلوی فروشگاه قدس و تبلیغات که حول آن برپا شده، کوشش میکنند که مناسب را برای شدت اعدای مبارزان فراهم کنند. همانطوریکه قبلاً هم متذکر شدیم - اساسی و مشخصات و وابستگی گروهی انقلابیون اعدا شده نظوری است که رژیم در رسانه های گروهی اعلام کرده است.

درود و افتخار به همه شهدای انقلابی خلق

۲۹	رحیم سنبلی	حزب دمکرات	۹۴	هما یون کریمی	مجا هدین
۳۰	عباس تکمه چی	"	قبل از ۸/۱۱	مشهد	"
۳۱	علی جهانگیری	پیکار	۹۵	سعید اردویا دی	"
۳۲	مصطفی بختیاری	"	۹۶	هاشم حسین مقان	"
۳۳	بوشهر	مجا هدین خلق	۹۷	علیرضا اعتما می	"
۳۴	سیدحسین موسوی مقدم	"	۹۸	اکبر دعا بی	"
۳۵	اسکندر آزاده	"	۹۹	مسعود بندار	"
۳۶	احمدبا ختر	"	۱۰۰	محمد هنرگار	"
۳۷	سید مرتضی حسینی	"	۱۰۱	غلامرضا عطایی کابری	"
۳۸	رحیم ولی زاده	"	۱۰۲	عبدالله رفیعی الیزه ای	"
۳۹	ابراهیم محمدیان	"	۱۰۳	احمد رضا محمودزاده	"
۴۰	عبدالرضا صباغ	"	۱۰۴	بهرام فارسی	"
۴۱	بهمن	"	مشهد ۸/۱۳		"
۴۲	اسد مودب	"	۱۰۵	علی حقیقی کاخکی	"
۴۳	تهران قبل از ۸/۷	"	۱۰۶	محمد رضا افشانی	"
۴۴	مهدی صفری	"	۱۰۷	جواد رئیس الساداتی	"
۴۵	بهنا جواد اصل	"	۱۰۸	محمدبا عزت	"
۴۶	حسین یگانه	"	۱۰۹	سعید رضا بی	"
۴۷	محسن روادار	"	۱۱۰	تیمور غلامی	"
۴۸	محسن انصاری	"	۱۱۱	غلامرضا حیرانی	"
۴۹	طوبی رجبی	"	۱۱۲	حیدرنا زخی	"
۵۰	جاری ۸/۶	"	۱۱۳	حمید نورسی	"
۵۱	داود بائی	"	۱۱۴	علی جعفری	"
۵۲	کریم سروزی	"	۱۱۵	مهدی پوررمضان	"
۵۳	حسین خادمی	"	۱۱۶	حمیدرضا بی	"
۵۴	مسعود کجی	"	۱۱۷	علی اصغر غلامی	فدائی خلق
۵۵	خلیل مشعلی	"	بزرگوار ۸/۱۲		"
۵۶	طا هر مشعلی	"	۱۱۸	محمد جعفر زاده	مجا هدین خلق
۵۷	غلامفرخ الشعرا	"	۱۱۹	غلامرضا شایان	"
۵۸	غلامطف اله صالح فر	"	۱۲۰	علی مهری	"
۵۹	علیرضا اللهقلیان	"	۱۲۱	ابراهیم (فرهاد)	"
۶۰	پرویز زندی	"	۱۲۲	مهدی رفعت پور	"
۶۱	احمدجهان	"	۱۲۳	ابراهیم برزویی	"
۶۲	شاهرخ پارسا	"	ری ۸/۱۸		"
۶۳	قاسم بوعلشی	"	۱۲۴	محمد عبیدی	"
۶۴	جواد فرخ مندی	"	۱۲۵	سیروس هزیر	"
۶۵	محمد خسروی پور	"	۱۲۶	محمود تقیان	"
۶۶	قبل از ۸/۹ بوشهر	"	بندر عباس ۸/۱۳		"
۶۷	محمد رضا موسوی مقدم	اعلام نشده	۱۲۷	علی بهروزی	۱۹ بهمن
۶۸	اصغر نصیر	"	۱۲۸	محمد چشم براه	فدائی خلق
۶۹	صابر سیرینی پور	"	۱۲۹	محمد سلیمان	۱۹ بهمن
۷۰	سید جمال الدین سعادت	"	۱۳۰	علی برنشان	اعلام نشده
۷۱	عبدالرضا کازرونی	"	بزرگوار ۸/۱۳		"
۷۲	ابراهیم داودی	"	۱۳۱	جمال آرا	مجا هدین
۷۳	غلامحسین گواهی	"	۱۳۲	عبدالاحسین ساجدی	"
۷۴	عباس گلستانی	اعلام نشده	۱۳۳	بهنا رحمانیان	"
۷۵	قاسم شهر قبل از ۸/۹	"	۱۳۴	عبدالتر زودار	"
۷۶	قربانعلی فرهادی	"	کجساران ۸/۱۷		"
۷۷	احمد روحانی	"	۱۳۵	نجف هنرجویان	"
۷۸	فریبرز قلی زاده	"	۱۳۶	یوسف دعوت الحق	"
۷۹	بهروز یعقوب زاده	"	تبریز ۱۸ و ۸/۱۹		"
۸۰	منوچهر رزاقی	"	۱۳۷	اصغر خاقانی نیا	"
۸۱	نهاد	"	۱۳۸	مریم سعیدی	"
۸۲	میرفتاح میری	مجا هدین خلق	۱۳۹	غلامرضا سیفاری	"
۸۳	مصطفی قیاسی	"	۱۴۰	حمیدتلمیسان	"
۸۴	اصفهان ۵ و ۸/۶	"	۱۴۱	شاهپور ساجدی	"
۸۵	سپاس ایزدی	"	۱۴۲	سعید اصغریان	"
۸۶	کاظم قاریان	"	۱۴۳	نعمت الله شاهرخ	"
۸۷	پروین احمدی	"	۱۴۴	فاطمه مسگرخویی	"
۸۸	سیما تهرانی	"	۱۴۵	محمد رضا ابراهیم زاده	پیکار
۸۹	حمزه کریمی	"	۱۴۶	بهنا الدین توکلی	"
۹۰	محمد علی مادی	"	۱۴۷	رحیم کمری	"
۹۱	سیف الله شیخ	"	۱۴۸	حمید نوروند	"
۹۲	مجتبی بیگی	"	۱۴۹	بهروز غلامی	"
۹۳	سعیدبا زرگان	راه کار	۱۵۰	محمد رضا شبروخی	"
۹۴	شهنا زعبالدی	پیکار	۱۵۱	نعمت الله مهاجرین	"
۹۵	قوچان	"	۱۵۲	شهریا رسولی	"
۹۶	محمودا روحی	"	۱۵۳	ناصر روزپیکر	"
۹۷	حسین موسی زاده	مجا هدین خلق	همدان ۱۸ و ۸/۱۹		"
۹۸	علی خاکپور	"	۱۵۴	غلامرضا خاکسار	مجا هدین
۹۹	فریده قربانی	"	۱۵۵	حسین روحانی	"
۱۰۰	کرج	"	۱۵۶	حسین متقی	آرمان مستضعفین
۱۰۱	جوادا مینا پور	"	بهرجنند ۱۸ و ۸/۱۹		"
۱۰۲	رضا نیسانی	قبل از ۱۵/۸ (درگیری)	۱۵۷	احمد حسینی	اعلام نشده
۱۰۳		"	۱۵۸	احمد رضا پور	"

زندانی سیاسی به همت

بقیه از صفحه ۲۰

میا و برای یک هفته هوا ذخیره می‌کنیم... در جواب مادری که روضه فرزندش نگران بود می‌گفت: فرقی نمی‌کند، مگر فقط بچه نوابجاست، همه اینها بچه‌های ما هستند. هیچ فرقی نمی‌کند، اگر بی‌خوابی که تو کشیدی منم کشیدم، اگر بی‌پولسی و خا نوا ده، کارگری و بیه زحمت بزرگ کردن بچه ات بود، من همه این مادرها هم... کشیدیم... با بدکاری کنیم که بچه‌ها بیام... همگی با هم آزاد شوند... زن میانحال دیگری گفت: "ما دیگر همگی از یک خانواده هستیم، با پیدا بینجاینت همرا داشته‌باشیم، چه روزها می‌گه با ما اینجا بودیم و کتک خوردیم و آب جوش روی سرمان ریختند و... زن دیگری آنجا ایستاده بود و آنقدر گریه کرده بود که تمام صورتش قرمز شده بود. میگفت دو بار درش را گرفته‌اند، یکی از مادران بیواشکی درگوش گفت: چرا جلوی پاسدار، دشمن برادرت گریه می‌کنی و خودت برادرت و سایر زندانیان را خرد می‌کنی؟ ما دردیگری می‌گفت: "بگذار مردم ببینند که زندانیان سیاسی خا نوا ده دارند و آنها هر روز بر سرمان می‌آیند تا آقاسی موسوی تیریزی بگوید که آنها که آدرس و اسم و فامیلشان را گرفته‌اند، آقا زاره ملاقات با خا نوا ده‌ها را داده‌اند، بگذار همه مردم بفهمند که رژیم برای ملاقات زندان به زندانیان دروغ می‌گوید و بیاهمیتراشد آری خانواده بزرگی بوسعت تمام می‌ایران و خا نوا ده کارگران و زحمتکشانی که دیگر به این رژیم دروغها و عتسایندارند و هر روز نسبت به این رژیم ضد خلقی و حرکات فاشیستی اش آگاه می‌شوند، به قول رحمتی: "این زندانیان سیاسی هر یک سروی هستند که درجا مع آینه در سایه آنها کارگران و زحمتکشان آزادتر زندگی خواهند کرد و به همین دلیل امروز با همه چون خا نوا ده‌های بزرگ آزادها دفاع کنیم و از آرمان و آزادهای آنها و اهداف مقدسشان برای مردم سخن بگوئیم".

۶۰/۹/۷

یکی از مادران مدتی بود که غیبت داشت. یک روز آمد و از جریان پرسش گفت: "به ما گفتند که میتوانید بیاید ملاقات ما هم رفتیم و به مدت ۲ روز به هر کس اقامت که می‌خواست ملاقات دادند. هدفشان از این ملاقات دادن برای درهم شکستن روحیه فرزندان و دار کردن وی بود، اما ما بیهرمزمانش بود. در همان ملاقات اول پسر که یک دستش هم تر خورده بود و شکنجه هم شده بود، از من خواست که به مرکز راضی شوم زیرا نمی‌تواند کسی را لو بدهد و به حال هم می‌رود. اعدا می‌خواهند که ما هم در تمام مدت ملاقات روحیه بسیار عالی و قوی داشت و فقط یک بار که پدر بزرگش به بیانش افتاده بود و زوی خواسته بود به جوانیش رحم کند و توبه نما بدیشت متقلب شده و می‌لرزید "بهر حال فرزندش را اعدا کردند، دختر ما در میان گریه را هم هفته قبل به همراه ۳۶ مبارر در اولین اعدام کرده بودند.

۵/۹/۷ - ساعت ۹/۵ صبح عدای فریادیک مادر بلند شد. اینطور که معلوم شد وی از اعدام فرزندش خبر نداشت و همانجا در روزنامه جمهوری اسلامی خوانده بود. مرتباً "فریاد میزد و به مزدوران رژیم فحش میداد، چند نفری هم که همراهش بودند از ترس دستگیری اش سعی میکردند وی را هر چه زودتر از آنجا ببرند ولی او مقاومت نمیکرد و میگفت: آنچه من عزیزم اینجا است کجا بروم؟ در همین وقت یک پاسدار با بند کجکوت به فریادهای این زن توجه

نکندید و منافع است و کارش همین شلوغ کردن جلوی اوین است. هنوز یک ربع از جریان این زن نگذشته بود که یک پدربزرگ بود نقش بر زمین شود چند نفری زیر بغلش را گرفتند. وی مرتب گریه میکرد و میگفت: آقا این بچه تمام امید من بود. این جریان در مورد دو مادر بود یک پدربزرگ اتفاق افتاد، یکی از پدربزرگها فوق العاده جوان بود و میگفتند دخترش ۱۴ ساله بود.

امروز با سداران آجازه هیچ گونه تجمع نمی‌دادند و مرتب همه را به ما نداشتند درصفا و ویا ترک محل دعوت میکردند. شنبه ۱۷ آذر / امروز یکی از مادران آمده بود و به پاسداری میگفت: "به من گفتند که بپرست معدوم شده‌است، اگر معدوم شده چرا اسمش را در روزنامه ننوشتید؟ چرا وصیت نامه‌اش را نمی‌دهید؟" پاسدارها گفتند: "برو بهشت زهرا یا پزشکی قانونی آنجا از مرگش مطمئن می‌شوی و دیگر آجینجا مزارحما نمی‌شوی.

امروز اعلام کردند که هر کسی حق دارد ما می‌یک با رپول و سه ماهه یک مرتبه لباس بیاورد و هر کس پول زودتر بیاورد میرود به حساب ۱۰۰ و هر کس لباس بیاورد میرود به جنگزده‌ها. رسیده‌های زندانیان را هم دیگر به اسم نمی‌خوانند و فقط شماره بالایی هر قبضه را می‌خوانند. تعدادی از مادرها به این روش اعتراض کردند و گفتند ما سواد نداریم چرا اسرا نمی‌خوانید، گفتند اگر اسامی را بخوانیم منافقین می‌آیند یا بداشت می‌کنند و نمی‌فهمند که چه کسی در زندان است، ما درها گفتند منافقین از طریق خا نوا ده‌ها و آشناها می‌فهمند چه کسی در زندان است؟ احتیاج به یادداشت ندارند یک پاسداری هم آمد و گفت می‌خواستم هزار نفر را آزاد کنیم ولی چون منافقین بمب گذاشتند دیگر آزاد نمی‌کنیم که این حرف همه را به خنده انداخت چون برای چندمین بار در طول ۶ ماهه اخیر نظیر این حرف را می‌شنیدند.

رژیم تنها چاره را در برهم زدن ارتباط مادران با هم میداند به همین علت آجازه کوچکترین تجمع را نمی‌دهد، البته همیشه هم موفق نیست و هر وقت مادران از کم پیدا نند و راه‌کنند از ایشان تکان نمی‌خورند و پاسداران به زور اسلحه هم نمی‌توانند نگاه ری کنند. تا زگیها اعلام کرده اند حتی در صفا که آجیندا به اید با هم صحبت نکنند زیرا خواص پاسدارها پسرست میشود! البته برای یک لحظه هم نتوانستند صدای گفتگو را بپدران را خاموش کنند، طی دو هفته اخیر مرتب قول داده‌اند که از اول برج ملاقات خواهند داد و به زودی با مینی بوس به لونا پارک خواهند آمد و مادران را با خودخواهند ببرند تا فرزندانشان را ملاقات کنند! البته هیچکدام از مادران این حرفها را باور نمی‌کنند. روز پنجشنبه صبح ۶۰/۹/۱۲ پاسداران اعلام کردند که سه نفر در زندان خودکشی کرده‌اند. ما پاسداران گفتند ۶۰۰۰ نفر در زندان هستند و ما نمی‌توانیم که مرتب به همه شان برسیم.

روز ۶۰/۹/۹ خیرا اعدا پسر ۱۷ ساله‌ای را هم خا نوا ده کارگرنش دادند و در خواهرش فریاد میزدند و می‌گفتند او را به جرم کمک مالی به مجاهدین اعدام کردند. پنجشنبه ۶۰/۹/۱۹ به مادری گفتند که دخترش اعدا شده، مادرش میگفت فقط در روز دستگیر شده و رفته بود سرخیا بان تلفن بزند و برگردد.

لونا پارک - (نزدیک زندان اوین) طبق معمول جلوی محوطه لونا پارک از ساعت ۷ صبح شلوغ میشود. با وجود اینکه خانواده‌ها کمتر هر روز می‌آیند و حتی آنانکه خیلی بیگبیر هستند هم یک روز در میان

می‌آیند با زهم به علت دستگیری های هر روز رژیم، جمعیتی بطور متوسط ۵۰۰ نفر در این محل حضور دارند. به همین علت توجه اکثر کسانی که از پارک وی رد میشوند به این محل جلب میشود. بخصوص مناقران آتوبوسها به علت اینکه اکثر خا نوا ده‌ها از آتوبوس استفاده می‌کنند و اگر آفشا - گری علتی هم نگنند مرتب راجع به فرزندانشان با هم صحبت می‌کنند و توجه همه مسافران را به خود جلب میکنند و وقتی به این نقطه میرسند همه سرها را بر میگرددانند و با سرک کشیدن و حتی ایستادن، مورد مجتمع دولتی پارک را نگاه می‌کنند و از اینکه همیشه اینهمه جمعیت در اینجا جمع است تعجب فریبدهی را نسبت به رژیم بسرازمینمایند.

اخبار مدارس

بقیه از صفحه ۱۳

تهران

دبیرستان بهشتی - ۹/۱۱ - معاون دبیرستان ساعت ۴ تمام معلمین را جمع کرده و برای ایشان سخنرانی میکند در این سخنرانی از دبیران میخواهد که از این به بعد برای یک دستوراست که از طرف بگذازند و این دستوراست که از طرف بگذاشتنشان گردان هم به این کار عادت کنند.

این دستور مقامات تاجان رضایتی و تمسخر دبیران مواجه گردید. دبیرستان جلوه - به علت اختلافی که بین رئیس منطقه و رئیس دبیرستان بروز کرده است نحوه پیشبرد سیاستهای رژیم در این مدرسه با سایر مناطق اختلاف دارد. مثلاً در این مدرسه و نفر را به علت شعار نوشتن در تابلو دستگیر نمودند. رئیس دبیرستان این دانش آموزان را بدست روابط عمومی دانش آموزان سپرد. در صورتی که در سایر مدارس این امر مستند.

با شدت گیری اختلافات مدیر مدرسه با رئیس منطقه نتیجه برای این شده شورای گردمانی تشکیل بدهند تا اختلافات را کنار گذاشته و مثل در همکار با هم کار کنند ولی اختلافات کم‌کم از آدامه در دور رئیس منطقه تلاش در رده هر شیوه که شده رئیس دبیرستان را کنار بگذارند تا سیاست خود را در مدرسه به پیش ببرند.

تهران - دبیرستان آیت الله سعیدی

آخوندی به نام سجاد که گفته میشود نما یبند مجلس است برای سخنرانی به دبیرستان آمده بود. مسئولین مدرسه قبلاً برنام سخنرانی را به دانش آموزان نگفته بودند چون اگر می‌گفتند هیچ کس جز حزب اللهی و توده‌ای ها و اکثریتی‌ها در مدرسه حاضر نمی‌شدند. شروع سخنرانی با قطع برق و خاموش شدن صدای میکروفن و خنده دانش آموزان و متفرق شدن آنها همراه بود. به ناچار سخنران دانش آموزان حزب اللهی و هم پالکی‌ها ایشان را دور خود جمع کرد و برای سخنرانی نمود. سخنران آده زبانی و تافوتی دانش آموزان به خشم آمده بود پس از آمدن برق موضوع اصلی سخنرانی را که حمله به منافقین بود عوض کرده و گفت: مثل اینکه اخلاق اسلامی در این مدرسه جا کم نیست و مسئولین مورتیبتی باید به وضع این محصلین رسیدگی کنند. در تمام زظهر هم جز کارکنان فقط دانش آموزان آنجمن شرکت داشتند.

اخبار

با زار جمعه - در یکی از شبهای محرم در مسجد فلاح آب در حالی که بر حسب معمول عده زیادی برای مراسم عزاداری نشسته بودند ناگهان پیرمرد کثا و زوی از جای خود بلند شده و در میان جمعیت شروع به راه رفتن می کنند. جمعیت متعجب شده بود. پیرمرد سپس بدون مقدمه شروع به صحبت می کند. کثا و زوی پیرمرد کویبی دیگر جان به لبش رسیده بود با صدای بلند می گفت: "چرا باید فرزندان ما زحمت کشان به جبهه بروند و کشته شوند، چرا فرزندان سرمایه داران به جنگ نمی روند؟ اگر ما هم پول داشتیم فرزندانمان را به جنگ نمی فرستادیم" پیرمرد چنان دچار هیجان شده بود که سراپا پیش از عرق - خیس شده بود و همچنان به صحبت خود ادامه میداد. در این هنگام یک حزب الهی - میخواست با تکبیر و صلوات مانع ادامه صحبت های وی شود اما کثا و زوی نرسیده به سوی او جا زنده و رو به مردم گردید و سخنانش را بدین ترتیب خاتمه میدهد: چرا نشسته - آید، بلند شوید، علیه زلوصفتان، آنها را تا بود کنیم "جمعیت او را ساکت کرده و سر جایش می نشاند.

نشست درون جبهه

ضد انقلاب حاکم

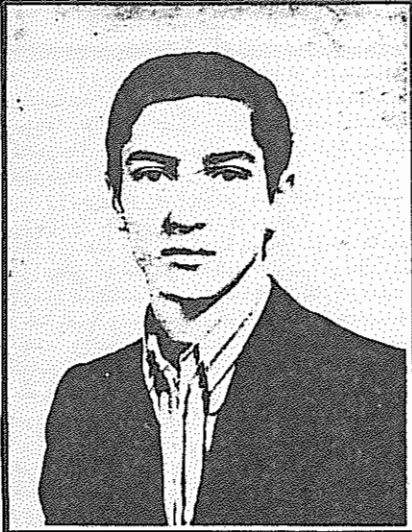
به نقل از فروش شماره ۸

اخیرا "تضاد میان جبهه ضد انقلاب حاکم با لگرفته نمودن بطور پراکنده در ارتقای دولتی و دیگر نهادها و ضدا انقلابی رژیم چشم می خورد. تضاد میان با تضاد انقلابی حاکم در شرایطی در حال اوج گرفتن است که حزب جمهوری اسلامی بعنوان تنها قدرت مطلقه از حل بحران کنونی عاجز مانده و سرکوبی توده ها و نیروهای انقلابی نیز نتوانسته راهگشای خلاصی رژیم زسرا شیب سقوط گردد. تضاد های موجود درون هیئت حاکمه که در قبال اختلاف شورای نگهبان با مجلس، سپاه با جناحی از روحانیست و بروز پیدا کرده است تا ثیرات خود را بطور حاد تر بر برده های بائینی حزب گذاشته است بطور مثال در زوشهر در تاریخ ۶۰/۷/۲۴ در نماز جمعه بیست و نه نفر از اسلام و دیگر انجمنهای اسلامی و بسیج از یک طرف و سپاه، سرمایه ز طرف دیگر درگیری های بوجود آمده منجر به زد و خورد و شلیک تیر هوایی گردید.

حزب الهی های مخالف سپاه بسیار شاعرانی از قبیل "دهقانی منافق" "اخراج باید گردد" (دهقانی فرمانده فعلی سپاه پاسداران بوشهر می باشد) مخالفت خود را با سپاه به تمام روشها گذاشتند. سپاه نیز در جهت مقابله با این حرکت برآمدوا سما عیل محمدی (وی رئیس امور تربیتی آموزش و پرورش بوشهر می باشد) که در گذشته در انجمن ضدها شیکری فعالیت داشته است را بعنوان یکی از تحریر کنندگان این حرکت دستگیر می نماید. بدنبال دستگیری محمدی انجمنهای اسلامی مدارس و قدا ثیان اسلام دست به مقابله زده و با برقراری تظاهرات پراکنده خواهان آزادی محمدی میشوند. در آدا ماه همین جریان سپاه اقدام به خلع سلاح افراد بسیجی هوادار قدا ثیان اسلام می کنند که آنان نیز مقابله کرده و از دادن سلاح خودداری می کنند و حتی در بعضی نقاط به سنگر بندی مبادرت میورزند. این اختلافات در میان باندا حاکم در بوشهر همچنان ادامه دارد.

در هفته گذشته نیز در شیراز زمین جناح های مختلف در محل شاه چراغ و محله شیشه گری نیز زد و خورد ها شکی صورت گرفت و دو طرف به شلیک تیر هوایی اقدام نمودند. این خود نمونه کوچکی است از بحران سیاسی درون باندا ضد انقلاب حاکم، و با وجود تشدید بحران اقتصادی در آینه نیز شاهد شدت این درگیریها و انعکاس وسیع آن خواهیم بود.

گرامی باد خاطر ه رفیق شهید مجتبی احمدزاده



با ردیگر قلب تنیده یک انقلابی کمنویست، رفیق مجتبی احمدزاده آماج کلوله های امریکائی و اسرائیلی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در سپیده دم ۸ آبان در حالیکه برای رمانهای والای خود که هم تا رها شیکا رگران و زحمت کشان از قید دست و استنما ربودیای میفشرد، بجوخا عدم سر برده شد و به شهدای خلق پیوست. اما جلادان رژیم جمهوری اسلامی که پس از افشای جناح یا نشان در سطح جهان از اعلام عدم انقلابیون و حنت دارانند این جناحیت را نیز برده بوشی کردند تا اینکه خاتمه رفیق که جهت اطلاع از وضع وی به قتلگها و وین مراجعه نمودند بنا وصیت نامه رفیق مواج گردیدند. او در طول سه ماه از مرگ دتا آبان که در بازداشت مزدوران رژیم بوسر میبرد حتی بیکار اجازه ملاقات نیافت و هیچگونه مدرکسی نیز رژیم بر علیه او نتوانست بدست آورد اما آنطور که جلادان بیان داشته اند از او خواسته بودند که بدش را بدست دزخیمان بسیار داد و سرانجام نیز بخاطر کینه جوئی از بدربارش بشهادت رسید. این جناحیت بیکار ردیگر ما هیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی را بنماش گذارد. او گرچه فدائی نبود اما با الهام مبارزات قهرمانانه دوبرادر فدائیاش رفقای شهید مسعود و مجید احمدزاده، فعالانه در مبارزات توده ها سر علیه رژیم جنایتکارانه شرکت جست و در جریان قیام در حمله به رادیو تلویزیون و باندا آنها شرکت داشت و پس از قیام نیز همچنان به مبارزه بر علیه رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ادامه داد. تا سرانجام در مرداد ماه توسط مزدوران گشتی رژیم شائستی دستگیر شد و پس از سه ماه بازداشت و شکنجه های بسیار بشهادت رسید. جسد رفیق را بدلیل وجود آثار شکنجه تحویل خانوادها ندادند و تنها پس از تلاش بسیار آرمگاه رفیق مشخص شد. "یادش گرامی باد"

بقیه شهدای آبانماه

بقیه از صفحه ۱۷

- ۱۵۹ علی مقرازی
- بیرجند ۲۲ و ۸/۲۳
- ۱۶۰ علی جوادزاده
- ۱۶۱ محمد علی مهاجر
- زنجان ۸/۲۰
- ۱۶۲ سید صالح موسوی
- ۱۶۳ نسرتراپی
- ۱۶۴ حمید معبودی
- ۱۶۵ بحیی مریلی
- ۱۶۶ حسن احمدخانی
- ۱۶۷ پروین کریمخانی
- ۱۶۸ زهره یوسفی
- ۱۶۹ مریم همدانی
- هشتپر طوالش ۸/۲۲
- ۱۷۰ سید محمد زاهدی
- ۱۷۱ اصغر رجینی
- ۱۷۲ یوسف راستگو
- مسجد سلیمان ۸/۲۴
- ۱۷۳ حسین قربانی
- ۱۷۴ کوروش اردشیری
- رفسنجان ۸/۲۳
- ۱۷۵ جعفر کلانتری
- سندج ۸/۲۷
- ۱۷۶ عبدالعزیز
- ۱۷۷ هادی فرهمندپور
- ۱۷۸ جها نشاه سعیدی مقدم
- حزب دمکرات
- از ۱۷۹ تا ۱۹۳ در تاریخ ۸/۵ در شهرستانهای آغا جاری، بهبهان، گسار، سنمیرم، -
- برازجان جمعا ۱۵ نفر شهید شده اند که شاملی و وابستگی سازمانی آنها اعلام نشده است.
- از ۱۹۴ تا ۲۰۴ در تاریخ ۶ تا ۸/۱۱ در شهرستان - های قزوین، بوشهر، رشت، نوشهر، بهبهان جمعا ۱۰ نفر شهید شده اند که شاملی و وابستگی گروهی آنها اعلام نشده است.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد باید گردد

در تاریخ، بارها و بارها شاهد سرکوبی‌های وحشیانه رژیم‌های ضد خلقی و ضد انقلابی بوده‌ایم. ولی همواره شاهد روند دیگری که در مقابل این سرکوبیها شکل می‌گرفته نیز بوده‌ایم.

رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم‌های ضد انقلابی، راه نجات خود را در مقابل مبارزات ریشخندانها، توده‌ها و در شرایطی که عدم توانایی اش برای حل کردن مشکلات توده‌ها آشکار گردید است، تنها و تنها در سرکوب و وحشیانه‌ترین اقدامات رژیم‌های ضد انقلابی، راه نجات خود را در پیش می‌گردد. در این شرایط، مبارزات ریشخندانها، توده‌ها و در شرایطی که عدم توانایی اش برای حل کردن مشکلات توده‌ها آشکار گردید، تنها و تنها در سرکوب و وحشیانه‌ترین اقدامات رژیم‌های ضد انقلابی، راه نجات خود را در پیش می‌گردد.

مبارزات ریشخندانها، توده‌ها و در شرایطی که عدم توانایی اش برای حل کردن مشکلات توده‌ها آشکار گردید، تنها و تنها در سرکوب و وحشیانه‌ترین اقدامات رژیم‌های ضد انقلابی، راه نجات خود را در پیش می‌گردد.

مبارزات ریشخندانها، توده‌ها و در شرایطی که عدم توانایی اش برای حل کردن مشکلات توده‌ها آشکار گردید، تنها و تنها در سرکوب و وحشیانه‌ترین اقدامات رژیم‌های ضد انقلابی، راه نجات خود را در پیش می‌گردد.

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید خسرو مبارکی

رفیق خسرو مبارکی اگر چه فرزندی کسی از خوانین بلوچستان بود اما با پذیرش ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم از آنها روی گردانید و بکلی با آنها قطع ارتباط نمود. رفیق خسرو فعالیت سیاسی خویش را پس از قیام مردمی بلوچستان آغاز نمود و از همان ابتدا بعنوان یکی از سازماندهان - اعتراضات دانش آموزی شناخته شد. در مقطع انشعاب، او اولین سال تحصیلی خط انقلاب را برگزید. رفیق خسرو در بسیاری از حرکات و اعتراضات مردمی بلوچ شرکت فعال داشت و یکی از سخنرانان و رزیدنت‌ها بود. از همان اوایل سال تحصیلی ۶۰-۵۹ به علت شرکت در اعتراضات دانش آموزان ایرانشهر تحت پیگرد قرار گرفت و مجبور به ترک تحصیل شد. و به جای بهار رفت و در تشکیلات هواداران سازمان در آن شهر مشغول به فعالیت گردید. او در حالی که بدترین شرایط را در آن بهار داشت اما مصمم به کار خویش ادامه میداد.

رفیق خسرو در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ هنگامیکه به قصد پیش اعلامیه از خانه بیرون رفته بود دستگیر گردید و به شهرت با نام رفیق شهید بهشت شدت شکنجه شد و سرانجام در تاریخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۶۰ در آنجا که همچنان از آرمانهایش دفاع می‌نمود به جوخه اعدام سپرده شد.

"یادش گرامی باد"

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید مهدی خاخرزاده

رفیق مهدی خاخرزاده بطور مشخص فعالیت سیاسی خویش را با آغاز تحصیلات دانشگاهی خود در دانشگاه بلوچستان در سال ۱۳۵۴ - آغاز نمود. وی جزو اولین کسانی بود که اعتراضات و حرکات دانشجویی را در این دانشگاه سازماندهی نمود و فعالیت‌های دانشجویی شرکت فعال داشت. از این رو تمام کسانی که در استان سیستان و بلوچستان به مبارزه بر علیه رژیم شاه و سپس رژیم جمهوری اسلامی روی آوردند و از خوبی‌های می‌شناسند. رفیق مهدی در آنجا مواظب و شفقت خود بسیار دقیق و منظم بود. در جریان "فدائی انقلاب فرهنگی" بهشت زخمی شد. هنگامیکه در زندان بود در سال ۱۳۵۹ سازمان میبایست راه انقلابی برمیگزید، وی نیز با پذیرش خط انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، با ابورتونیسم راست به مبارزه برخاست. و در تشکیلات هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سیستان و بلوچستان به کارش ادامه داد.

رفیق مهدی حدود مردادماه ۱۳۶۰ - هنگامیکه وارد خانه یکی از دوستانش میشد توسط دو خیمان رژیم جمهوری اسلامی در تهران دستگیر گردید و سپس نیز در سحرگاه ۱۸ بهرمه ۱۳۶۰ به همراه همسرش نفرا زدیگر فرزندان انقلابی خلق در - محوطه اوین تیرباران گردید.

"یادش گرامی باد"

توضیح: رفیق مهدی خاخرزاده در لیست اسامی شهدای مهرماه که در کارکوبچسپ رسیده بعنوان "جناح چپ" آمده است که با این ترتیب تصحیح میگردد.

تکلیف است حجتی من در دست مبارک تکلیف است حجتی من در دست مبارک

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید شمسوار شفیعی (دکتر شفیعی)

رفیق شهید شمسوار شفیعی در سال ۱۳۳۲ در روستای "زند" یکی از روستاهای بخش ایوان غرب، در استان ایلام متولد گردید. تحصیلات ابتدائی خود را در همان روستا گذراند. دوره دبیرستان را با مشکلات و مصائب بسیار در بخش گیلان غرب و شهرستان های ایلام و کرمانشاه سپری کرد. در مهرماه ۱۳۵۲ وارد دانشگاه تهران گردید و در رشته دامپزشکی به تحصیل پرداخت و در بهمن ماه ۵۸ فارغ التحصیل گردید.

رفیق در همان اوایل ورود به دانشگاه به علت زندگی در روستا و آشنائی با زندگی روستاییان و مشاهده فقر و فلاکت انسان و از دنیا رزای بی اما با رژیم منفور پهلوی گردید و بارها از طرف ما موران - رژیم مورد تهدید قرار گرفت. رفیق اعتقاد داشت که مارکسیسم یگانه سلاح زحمتکشان علیه هر نوع ظلم و ستم است و به همین دلیل به ترویج ایده م-ل در میان فرزندان زحمتکشان پرداخت. رفیق در دانشگاه فعالیت خویش را دانشجویی بود و به همین سبب دارای تجربیاتی غنی و سرشار از خلایق بود. بعد از انشعاب - خاخرزاده جناح راست اکثریت از سازمان رفیق با هواداری از سازمان و تائید مواضع انقلابی آن به دفاع از مواضع سازمان پرداخت و بیشترین وقت خود را صرف افشای سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و سیاستهای خائنه "جناح راست اکثریت" نمود. دکتر شفیعی همه جا با زبانی ساده و چگونگی انشعاب و خیانتی را که جناح راست نموده بود صراحتاً توضیح میداد و مواضع انقلابی سازمان را تبلیغ می‌نمود. در ۱۲ تیرماه ۶۰ رفیق توسط سرکوبگران رژیم پهلوی دستگیر گردید. مزدوران رژیم بارها از رفیق تقاضای نوشن نهادن تا منهنده و برای درهم شکستن لارده انقلابی بارها چهره تنها فرزندش "علی" را جلوی چشمش محسوس نمودند اما رفیق با عزم پولادین و با استحکام مبتنی کار نگرفت. من چنین ننگین نامه‌ای را امضاء نخواهم کرد چون مرتجعین از درهم شکستن اراده انقلابی رفیق ما بوس شدند در سحرگاه خویین ۲۲ مهرماه همرا با دوست دیرینه و همسر مجاهدش غلامرضا شوهانی او را به جوخه اعدام سپردند و جناحتی به جناحت خود و بزرگی سخی برافشای جنابش کمونیستی و سازمان برافشای فرودند. رفیق در ایلام که کارشغال داشت و به علت خدمات خود در بین روستاییان و زحمتکشان شهری از محبوبیت و آفری برخوردار بود. ناگفته نماند که پس از اعدام ما بین رفیق رژیم یک اعلام ۲ روز حکومت نظامی در بخش ایوان غرب و وحشت و درماندگی خود را از محبوبیت رفیق و همسر مجاهدش شوهانی و حرکات زحمتکشان به نامایش گذاشت.

یادش گرامی باد
پرویننده بساد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکتجه و اختناق نابود باید گردد